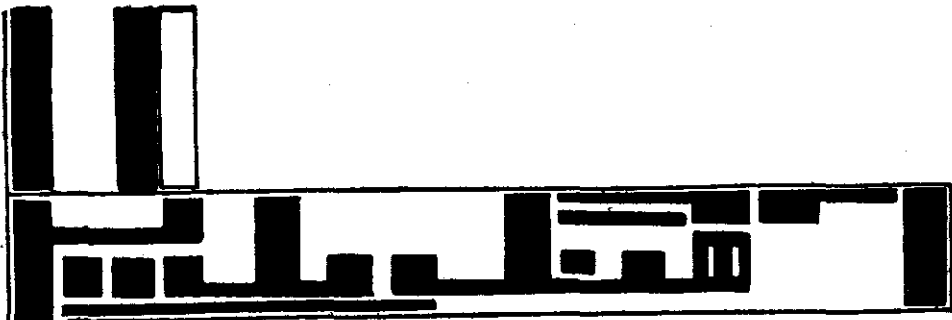
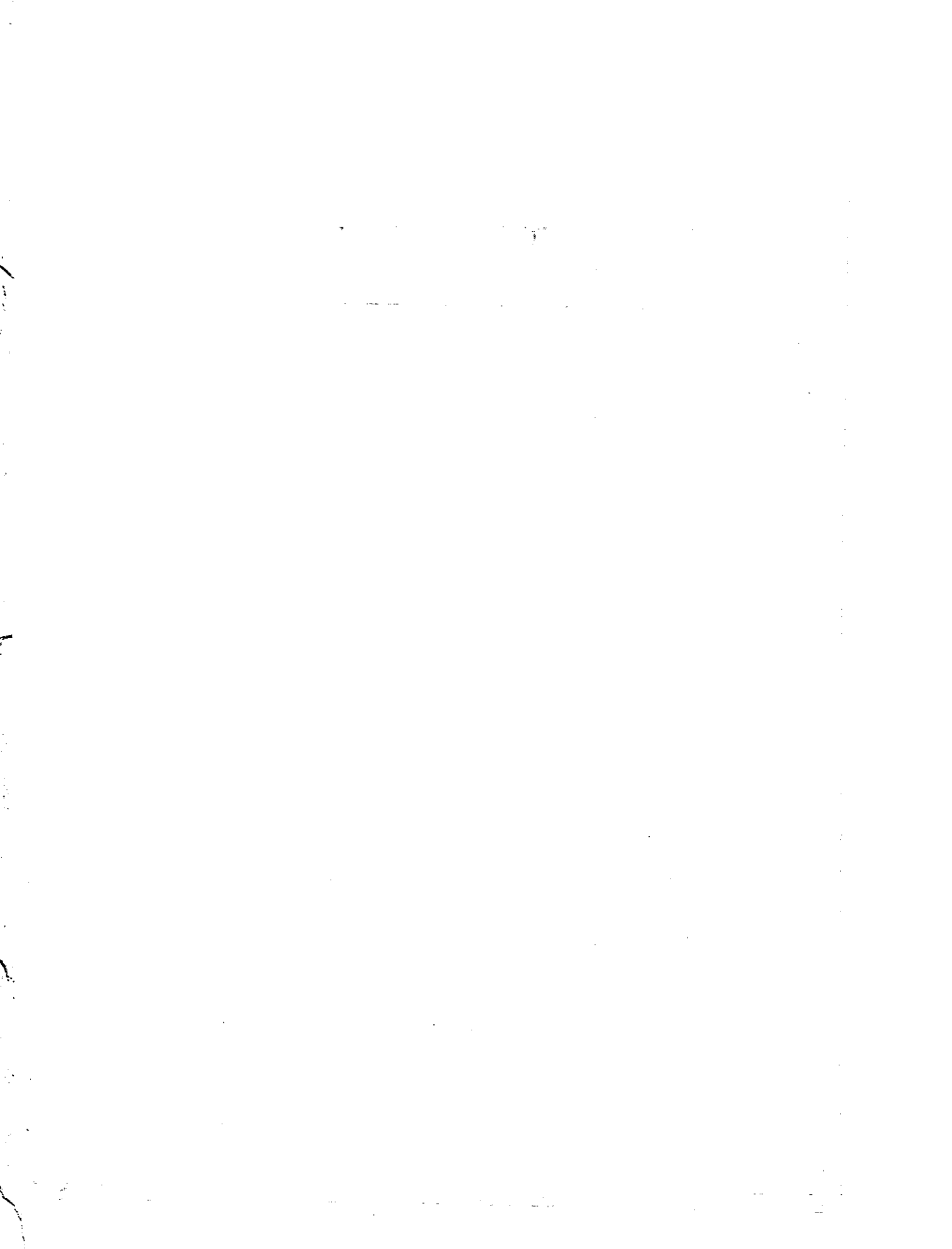


Y
11.

V
12





اجتباراً قطعاً نباید هیچ عزیزی داخل شوند
و در امور سیاسی مداخله نمایند. «حضرت عبدالبهار»

آهنگت بدیع

مخصوص جامعه بهائی است

شماره شصت و پنجم ۱۲۰ بهمن
۱۳۴۲
۱۹۶۳

شماره ۲ سال ۱۸

شماره مسلسل ۱۹۹

فهرست مندرجات

<u>صفحه</u>	
—	۱- لوح مبارک حضرت عبدالبهار
۲۳۹	۲- نقد عمر
۲۴۱	۳- روانشناسی در خدمت تبلیغ
۲۵۰	۴- صبح ظهور (شعر)
۲۵۲	۵- ایادی امرالله - جرج تاونزند
۲۵۶	۶- اندیشه اقتصاد در دیانت بهائی
۲۵۹	۷- ورتا دوست فاضلی که از میان ما رفت
۲۶۴	۸- تاریخ صعود جناب ورتا (شعر)
۲۶۵	۹- بیاد ورتا (شعر)
۲۶۶	۱۰- بشارات و اشارات بودا
۲۷۳	۱۱- نامه محفل روحانی مونتاوا (ایتالیا)

عکس روی جلد - بیست و هشتمین انجمن شورروحانی ملی

ایران منعقد در طهران

هو اقسام

بخش ششم

شعر است و این کلمات در شعر . نجات هر نفس است

ندار آنرا جز بدت غیب است و صید هر نفس از جان پندار گوشت هر نفس از جان است

و موج جان رو باج کل در جان است باغبان غایت است خوشتر زمین نمک و خاک جان غایت است

بگشاید بهشت برین شده . حق محموم است نه بخشش دماغ مودع نجوم است دگاس طهور است و طاف

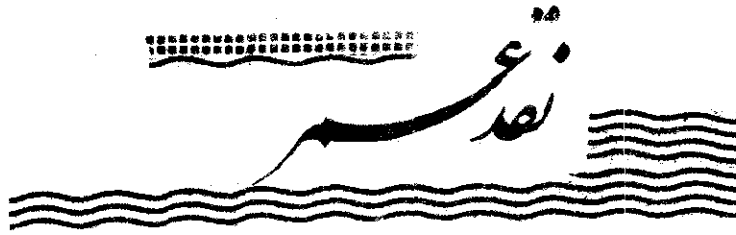
بمراجهب کافور است . ارکان است تا چند در دردی بخویم و خم شود در این باره و گویم و غافل از مقام محمود

چه در حال معنی معانی است شمس تفسیر کرده غم بطله است است و آرزو سرور دارد

و این مقبولیت و محبوبیت در رحمت کبریا است . آن مقام منصور است و منظور است . مؤید است

و موفق است . همیشه بنودم تر و دلا است و پیشش طغوت است . این را پیشش با هم از این پیشش

علمه شید الفعور طوبی لمن فانه بضر ربه اللاح ع ع



حضرت عبدالبهاء روح الوجود لمظلومیته
 الفدا میفرماید ((اس اساس سیئات نادانی
 و جهالت است)) حقیقت این است که اگر
 آئینه ضمیر انسانی بنور علم نورانی نگردد و
 روشنائی بصیرت و دانائی افق قلب بشر را منور
 نسازد ظلمت جهالت و تیرگی طبیعت —
 نورانیت انسانیت را تیره و تاریک نماید .
 از طرف دیگر اگر وسعت معلومات توأم با سعه
 صدر و انشراح فؤاد نباشد و کثرت مطالعه
 با تمعن در آثار و الواح مبارکه هممعنان نشود
 شکی نیست که انسان باعلی علیین نرسد و
 توسن طبع سرکش او بسر منزل فیوضات
 نامتناهی رهبری نگردد . چقدر عمر در از
 بشر کوتاه و بی قدر و قیمت است اگر فارغ از
 ذکر حق گردد و چقدر ساعات کوتاه شخص
 مؤمن عزیز و پرموهبت است اگر در راه کسب
 فیض از مبداء فیاض مصروف شود و وقف تفرس
 و تمعن در آثار الهیه و خدمت در سبیل
 اعلاء کلمه گردد .
 ما همه از این سرای دودر لا محاله
 بیرون میرویم . ثروت و سرمایه مادر این

جهان نقد عمر است که اگر توأم با صحت و عدم
 حاجت و بکارانداختن عقل و بصیرت باشد
 سرمایه خوبی است . فروغ عقل و بصیرت —
 محدود بشری تنها در ظل هدایت دستورات
 مقدسه مظاهر الهی مستحق اعتماد است
 و چراغ راه انسان تواند بود . این هدایت
 نیز جز در سایه انس مستمر با آیات و کلمات
 میسر شدنی نیست والا اندک غفلت موجب
 استیلا ی کبر و نخوت شود و جلوه پرلمعان
 معلومات که سرابی و میان تهی است شخص
 را از تکیه گاه حقیقی و ملجاء و پناه معنوی
 بیزار و بری نماید . با اندک دوری از کلمات
 انسان جهول با ریسمان پوسیده اوهام
 علمی و غرور عقلی و سرفرازی منطقی و سربلندی
 فلسفی بقعر چاه نفسانی و گمراهی و سرگردانی
 خواهد افتاد و این سقوط بنحوی طبیعی
 و تدریجی واقع میشود که شخص ساقط خود
 ابدآنها احساس نمیکند . بهمین جهت
 است که صرفاً برای نجات بشر از این مهالك
 پرخطر این امر مبرم از سما مشیت مالک قدم
 نازل گشته که میفرماید :

آهنگ بدیع

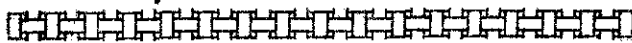
الهی ما بصورت ظاهر نیز از جمیع اقوام و ملل در شئون صوری تقدم و برتری خواهیم یافت ولی هر مزیت و ارجحیتی که در عالم صورت نصیب ما باشد بر پایه لطافت روحی و انجذاباً درونی و عرفان معنوی و صفای باطن و پاکس ضمیر و طهارت قوای مستوی است اگر این پایه معنوی استوار نباشد آن زینت ظاهر باقی و برقرار نماند. اگر معنی کامل نشود صورت لطافت حاصل نکند و این کمال معنی در آشنائی دائمی با آیات الهی میسر شدنی است و راهی غیر از این نیست. چه که دستور پزشک دانا در این عصر نورانی است نسخه روز است و دوی هر دردمند پر جذب و سوز باید تا نهایت این ظهور اعظم که از حیز قیاس کنونی ما خارج است بشر از این منبع فیض استفاضه نماید و تمدن صوری و معنوی خود را بر آن تأسیس کند از هر حرفی طرفی بندد و از هر کلمه بی مقدمه بی یابد از هر جمله بی مجموعه بی واز هر صحیفه بی هدیه بی گیرد. در این بحر زخار غوطه ور شود و لثالی شمینه و جواهر مکنونه بچنگ آرد. پس ما که در بدایت این ظهور پرنور بر ساحل این محیط اعظم آرمیده و یا در سفینه حمراء جا گرفته ایم حیف است بی نصیب مانیم و از تلاوت و استفاضه مهجور شویم از این گوهر شمین (بقیه درص ۲۶۹)

((اتلوا آیات الله فی کل صباح و مساء ان الذی لم یتل لم یوف بعهد الله و میثاقه)) مفاد آنکه (تلاوت نمائید آیات الهی را هر صبح و شام کسیکه تلاوت آیات ننماید بعهد و میثاق الهی وفا ننموده است). کلمه الهی در عالم انسانی سیراب کننده هر تشنه و شاداب دارنده هر گشته است روح بخشد و جان بجان رساند. واسطه فیضان است و وسیله وصول مواهب حضرت رحمن. اگر فیض قدسی از راه کلمه الهی از عالم انسانی منقطع گردد و یا شخص مؤمن از آشنائی مستمر با این ینبوع معرفت و موهبت رحمانی دورماند افق وجود تاریک و ظلمانی شود. انبعانات وجدانی و تعطیل گردد و انجذابات روحانیه در بوته تعویق ماند. گلشن سرسبز روح بشری گلخن ظلمات شود و هوا جس شیطانیه و وساوس نفسانیه مستولی گردد راه از دست رود و بشر در قعر چاه خود خواهی و گمراهی مقرر گیرد.

راست است که ما اهل بها باید در شئون جسمانی از جمع بشر بدرجات شتی فراتر باشیم و نظافت جسمی و لطافت بدنی و تقدم مادی و تمدن صوری از جمیع مظاهر زندگی عادی یومی ما متجلی شود. راست است که در ظل احکام و سنن کتاب اعظم

روانشناسی در خدمت تبلیغ

هوشمیدر سطلق



تعریف و مقایسه روانشناسی و دین

موضوع اصلی روانشناسی عبارتست از — مطالعه در رفتار افراد و روابط آنها با یکدیگر و دیانت طبق تعریف حضرات عبدالبهاء عبارتست از روابط ضروریه منبعث از حقائق اشیا بنا بر این موضوع مهمی که هم در دیانت و هم در علم النفس مورد توجه قرار میگیرد عبارتست از مجموعه‌ئی از روابط بالاختصاصی که در بین افراد موجود و برقرار است .

متأسفانه ادیان گذشته چنان در زیر غبار تعصبات و تقالید گوناگون مخفی و نهان شده اند که دیگر بهیچوجه قادر به رفع حوائج روحانی بشر نمیشوند — دنیای کنونی با کوشش و تلاش فوق‌العاده در پی یک نیروی روحانی است که رفع حوائج روحانی — او را بنمایند . علم روانشناسی در این زمینه بیشتر از سایر رشته‌های علوم مورد توجه قرار گرفته است تا بلکه بتواند تا حد بسیار محدودی جایگزین این خلأ روحانی گردد . بطوریکه غالب کلیساهای آمریکا برای کشیشها

تحصیلات روانشناسی را اجباراً قلمداد کرده اند تا بتوانند بدینوسیله کم و کسریهای مذاهب خود را جبران ساخته و برای رفع احتیاجات افراد کلیسای خود آمادگی بیشتری حاصل کنند .

باید توجه داشت که روانشناسی هر اندازه پیشرفت کند قادر نخواهد بود جای دیانت را بگیرد و تقریباً همه روانشناسان مقرر و معترفند که روانشناسی فردی و اجتماعی در صورتی میتواند واقعا مؤثر واقع شود که در مرحله اول پایه و اساس ایمان بخالق جهانیان در قلب انسان محکم و استوار شده باشد . در تحت چنین شرایطی است که روانشناسی میتواند در خدمت دین قد علم کرده و همدوش و هم‌عنان با تصرفات و تأثیرات ایمان عالیترین خدمت را بجامعه انسان بنماید .

استفاده از روانشناسی در مسائل دینی مدوح و پسندیده میباشد و بخصوص در آثار مبارکه این ظهور بکرات ذکر رعایت حکمت که خود فصلی از روانشناسی بشمار میرود شده

آهنگ بدیع

بآسانی دوست پیدا کرده و همیشه مورد قبول و علاقه دیگران هستند؟ چرا بعضی از احباب را ملاحظه میکنیم که در تبلیغ با اصطلاح دم- مسیحا یا نفس گیرا داشته بسهولت متحریران حقیقت را بخود جذب میکنند و برعکس عده‌ئی دیگر با ابراز فعالیت و کوشش خستگی ناپذیر دایما از عدم استعداد مبتدیان شکایت دارند؟ کسانی را میبینیم که از لحاظ شرایط صوری مثل اطلاعات یا مقام و مرتبت اجتماعی خیلی عادی هستند ولی طی زندگی خود وسائل تبلیغ ده‌ها بلکه صدها نفر را فراهم آورده‌اند؟ آیا اینها معلول تصادف و - اتفاق است؟ خوشبختانه بکمک علم روانشناسی میتوانیم باین سؤال جواب قطعی بدهیم و آن اینست که تمام تأثیرات و تأثرات نفسانی معلول بعلمت است بدرجه‌ئی که تمام جزئیات و خصوصیات سخنان و حرکات مادر طسرف مقابل تأثیری خاص دارد حتی کلمه‌ئی نیست که بگوئیم و بی تأثیر باشد. همانطوریکه در علم شیمی از ترکیب مواد اولیه میتوانیم پیش بینی کنیم که در تحت شرایط معین چه ماده‌ئی حاصل خواهد شد همینطور بکمک علم روانشناسی میتوانیم تا حد معقول عکس‌العملهای نفسانی را بر اثر محرکات معین پیش بینی کنیم. بسیاری از ما بمعذر اینکه معلومات کافی برای تبلیغ نداریم

است و مختصر دقتی معلوم میکند - پیمبران آسمانی که مؤید و مبعوث از طرف خدا و دارای علم لدنی و مستغنی از کسب علوم ظاهره بوده‌اند عملا برای پیشرفت شریعت خود اصول این علم نفیس را بالفطره بکار برده‌اند مثلا در دیانت مقدس اسلام با توجه باصل آمادگی مؤمنین بعضی از احکام و قوانین در مدت ۲۳ سال رسالت پیغمبر اکرم چند مرتبه تغییر کرد زیرا در مراحل اولیه مردم هنوز استعداد قبول و اجرای قوانین الهی را بصورت نهائی آن نداشتند. حضرت اعلی بر همین اساس در مراحل متعدد بنا بر استعداد مردم امر مبارک خود را بیان فرمودند تا اینکه از هان آمادگی بیشتری حاصل نماید و خلاصه یکی از علل مهم تشکیل اجتماع بدشت و انجام مباحثات بطریقی که در تاریخ ثبت شده رعایت همین اصل مهم بوده است.

اهمیت و لزوم آشنائی با اصول روانشناسی

آشنائی با اصول روانشناسی بطور کلی بهمراه افراد کمک میکند که بتأثرات نفسانی و عوامل مختلف آن آشنا شده در برابر دیگران و یا هر موقعیت جدید که با آن روبرو میشوند عکس‌العملهای مناسبتری از خود بروز دهند. چرا بعضی از افراد در روابط اجتماعی خود موفقیت زیاد کسب میکنند

آهنسنگ بدیع

فتحعلیشاه وارد بیرونی شد از ایشان سؤال نمود که شما کی هستید فرمودند من بنده این درگاهم و پاسبان این آستان و بنای تبلیغ گذاشتند من از بالا گوش میدادم — شاهزاده در نهایت استعجابش باعث عرض پرداخت ولی در ظرف ربع ساعت بکمسال ملاحظت شاهزاده را ساکت فرمودند بعد از اینکه شاهزاده در نهایت انکار بود و آثار حدت از شمائلش آشکار حدتش منقلب — بهپاشت شد و نهایت مسرت اظهار نمود که بسیار مسرورم که خدمت شما رسیدم و کلام شما را شنیدم . خلاصه در نهایت پشیمانی تبلیغ میکرد و از طرف مقابل هرچه حدت میدید بملایمت و خنده مقابلی میفرمود و ضحیح تبلیغشان بسیار خوب بود فی الحقیقه اسم الله بود... (۱)

بدون شك یکی از علل مهم موفقیت این افراد اینستکه در روابط اجتماعی خود از اصول صحیح روانشناسی پیروی میکنند مطالعه دقیق و علمی در زندگی این اشخاص بخصوص روابط اجتماعی آنها حقائق زیادی که بتوان آنها را در جمیع شئون زندگی مورد استفاده قرار داد بر ما مکشوف خواهد ساخت در این سلسله مقالات سعی خواهد شد که بعضی از اصول روانشناسی تا آنجائیکه مربوط به روش تبلیغ میباشد مورد بحث قرار گیرد .

خود را از این موهبت عظمی ممنوع و محروم مینمائیم و حال آنکه بدون اغراق اگر برای موفقیت در تبلیغ ده شرط بطور متساوی قائل شویم داشتن معلومات فقط یکی از آن ده — شرط بشمار میرود . علت اینکه مبلغین بطور کلی در تبلیغ موفقیت بیشتری کسب میکنند فقط این نیست که از لحاظ معلومات بر دیگران برتری دارند بلکه علت اصلی اینستکه این افراد اولاً با تعداد بیشتری از متحریران حقیقت سروکار دارند و ثانیاً مصدقین آنها همیشه تحت تأثیر معرفین خود قرار گرفته و چه بسا بخاطر آشنائی با آنها و نه بعلت تأثیر سخنان مبلغ بشریعت الهی داخل میشوند و ثالثاً مبلغین بطور کلی بعلمت تجربیات زیاد بروانشناسی تبلیغ آشنا شده اند و میدانند که مثلاً با هر مبتدی — باید بچه لحن و بچه ترتیبی صحبت کرد و در برابر هر نوع عکس العملی که از مبتدی بروز میکند چه نوع رفتار کرد . مثل جناب اسم الله الا صدق که از این الحاظ مورد توجه حضرت مولی الوری قرار گرفته اند چنانکه در ضمن شرح حال او در کتاب تذکرة الوفا میفرمایند: "وقتی ببغداد آمدند و بشرف لقا فائز شدند روزی در بیرونی در کنار پناهچه نشسته بودند و من در بالای سر ایشان در اطاقی نشسته بودم در این اثنا شاهزاده نحوه

(۱) صفحه ۱۵ تذکرة الوفا .

آهنـگ بدیـع

امید که این مطلب برای دانش پژوهان —
محترم وسیله ای شود که در این عرصه قدم
گذارد به تحقیقات بیشتری بپردازند .
محبت یا دلیل کدام موثر ترند ؟

طبق تحقیقات روانشناسی این مسئله
بتحقیق رسیده است که قبول نظریات جدید
بطور کلی بر اساس احساسات و علائق شخصی
قرار دارد و اقامه دلیل و برهان آنقدرها
که تصور میشود موثر نیست . مثلاً طبق یک
مطالعه دقیق معلوم گردید که قبول نظریات
جدید در حدود صدی هفتاد مربوط بمیل
شخصی و در حدود صدی سی بسته به
منطقی بودن آنها میباشد . این مسئله
مهم روانشناسی بکرات در آثار مارکس تأیید
شده از جمله حضرت مولی الوری در جواب
شخصی که از رمز موفقیت در تبلیغ سؤال
میکند بیانی باین مضمون میفرماید که کلید
تبلیغ محبت است . اگر خود بهائی طوری
رفتار کند که متحری حقیقت باو علاقمند
شود مسلماً بسخنان او نیز علاقمند خواهد
شد بطوریکه اگر بعضی مطالبی را که
عنوان میکند بنظر مبتدی غیر منطقی بیاید
محبت مانع میشود که بآنها توجه خاص
مبذول دارد و بعوض سعی میکند در ضمن
مطالب مذکور نگاهی مطابق ذوق خود یافته
بآنها توجه کند . نور محبتی که از قلب

بهائی ساطع میشود چنان جان مبتدی را —
روشن میکند که جز زیبایی در وجود و گفتار او
نمی بیند . نیروی محبت نقص را کمال و زشتی
را جمال میکند . " و عین الرضا عن کل عیب
کليلة و لکن عین السخط ییدی المساویا "
و بقول سعدی

کسی بدیدهء افکار اگر نگاه کند

نشان صورت یوسف دهد بنا خو

وگرچشم ارادت نگه کنی در دیو

فرشته ایت تماید بچشم کرو بی

هنوز دانش بشری بمقامی نرسیده که حقیقت

محبت را برای ما روشن سازد ولی تأثیرات

آن از دیرگاه بر روانشناسان آشکار بوده است .

مثلاً بتحقیق پیوسته که ارتکاب جرم بیشتر در

بین افرادی شیوع دارد که در کودکی از —

محبت پدر و مادر بهره کافی نداشته اند و

همچنین این مسئله مدتها برای پزشکان مهم

بود که چرا بعضی از اطفال شیر خوار در

پرورشگاهها ظاهراً بدون هیچ عارضه جسمی

میمیرند و بعد از مدتها مطالعه این را از

بوسیله روانشناسان کشف گردید . معلوم شد

که علت اصلی فوت این اطفال محرومیت از

محبت مادری است . کیست که بتواند تأثیر

نگاههای محبت آمیز مادری را که بچشمان

فرزند شیر خوار خود نگاه میکند انکار کند .

نیروی محبت مادر اعصاب طفل را چنان

آهنگ بدیع

هستند . اما کسانی هم که از این منبع — سرشار آنقدرها که بایست بهره مند نشده اند نباید از موفقیت در تبلیغ نگران باشند زیرا اولاً بوسیله کسب فیض از مبداء و سرچشمه همه محبتها که همان محبت الله است میتوانند قلب خود را از این لطیفه الهی سرشار کنند و این بطوریکه بعداً بتفصیل شرح داده — خواهد شد اصولاً بدو طریق ممکن است یکی مطالعه آثار امری و دیگری تبلیغ . و ثانیاً بوسیله رعایت بعضی از نکات روانشناسی یعنی آشنا شدن بفتون محبت و بکار بردن آنها بطوریکه عادت ثانوی شوند میتوانند بجبران این نقیصه پردازند . مثلاً ماهمه کسانی را میشناسیم که در روابط اجتماعی خود مهارت خاصی از خود بروز میدهند . طرز برخورد و معاشرت آنها با سایرین طوری است که همه را بخود جذب مینمایند و همه جا محبوبیت دارند . این افراد فقط بصحبت اکتفا نمیکند بلکه با مبتدیهای خود معاشرتهای دوستانه برقرار میسازند . وقتی بدوستان آشنایان و یا سایر افراد برخورد میکنند بکمال گرمی دست داده تمارف و احوالپرسی میکنند . آنها را بگردش و تفریح و یا بمنزل خود دعوت میکنند و بمنزل آنها میروند . پذیرائی را با کمال گرمی و صمیمیت انجام میدهند اما نه بطوریکه متحری حقیقت

بهیجان میآورد که هیچ قوهئی جای آنرا نمیتواند بگیرد .

اگرچه حقیقت و هویت محبت هنوز بر دانشمندان کشف نشده ولی از نظر اهل بهاء محبت از تشعشعات روح انسانی بشمار میآید و حضرت مولی الوری در بیانات مبارکه در پاریس تصریح فرموده اند که در عالم وجود دو نوع نور وجود دارد یکی در عالم مادی و دیگری در عالم روحانی . محبت نوری است که تشعشعات آن عالم روحانی را روشن میسازد اگر در قلب ما انوار محبت موجود باشد بالطبع بدون هیچ کوشش و تلاشی بدیگران میتابد ما بالفطره همه را دوست میداریم و احساس میکنیم که همه ما را دوست میدارند .

این محبت فطری طبق نظر روانشناسان اصولاً مربوط است بتربیت دوران کودکی . افرادیکه در طفولیت از محبت سرشار دیگران بخصوص مادر بهره مند بوده اند باسانی میتوانند بدیگران محبت کنند علی الخصوص اگر این اکتساب محبت با تلقینات لازم همراه شده باشد مثل " لیس الفخر لمن یحب الوطن بل لمن یحب العالم " .

باید گفت خوشبحال کسانی که از این محبت خانوادگی بهره کافی برده اند زیرا اینها غالباً افرادی خوشبین با علاقه و امیدوار

آهنـگ بد یـع

آشنائی با علائق و عقائد مبتدی

با مبتدیانی که سابقه آشنائی نداریم قبل از ابلاغ کلمه باید سعی کنیم تا حد امکان با عقائد نظریات و علائق آنها آشنا شویم . در مراحل اولیه قبل از اینکه اساس دیانت بهائی را برای مبتدی شرح دهیم باید حد اکثر سعی را بعمل آوریم که او را با اصطلاح بحرف بیآوریم مثلا بدانیم بطور کلی نسبت به الهیات چه نظری دارد ؟ بدیانت خود تا چه اندازه علاقمند است ؟ چه نوع مسائلی اجتماعی را بیشتر اهمیت میدهد ؟ راجع بدیانت بهائی از سایرین چه شنیده و در این زمینه چه تحقیقاتی کرده ؟ همچنین در همین مرحله باید برشته و درجه تحصیلات سفلی ذوقیات و علائق او تا حد امکان آشنا شویم این آشنائی قبلی بعینه مانند معایناتی است که پزشك قبل از تجویز دارو بعمل میآورد و البته مسلم است که هر اندازه طبیب بیشتر بمزاج و طبیعت و حتی شرائط زندگی بیمار خود آشنا شود بهتر میتواند مرض او را تشخیص داده و دارو تجویز نماید .

گاهی ممکن است با افرادی برخورد کنیم که در جمع کمتر حاضر میشوند نظریات خود را ابراز کنند در این صورت البته جائز نیست که آنها را باصرار وادار کنیم که افکار و عقائد خود را در معرض اطلاع سایرین قرار دهند .

احساس کند اینها همه بمنظور جلب و جذب او بدیانت بهائی انجام میگیرد . در ابلاغ کلمه هیچوقت عجله بخرج نمیدهند و طبق بیانات حضرت عبدالبهاء مدتها صبر میکنند تا بنیاد دوستیشان با متحری حقیقت استوار شود آنوقت کم کم طبق شرایطی که بعدا بتفصیل ذکر خواهد شد با ابلاغ کلمه میپردازند وقت در حرکات سکنتات و طرز معاشرت و برخورد این افراد نکات بسیار با ارزشی را برای ما روشن خواهد کرد که شاید در هیچ کتاب روانشناسی نتوانیم پیدا کنیم بنابراین مهمترین شرط موفقیت در تبلیغ اینستکه اولاً نسبت بهمه مردم احساس محبت کنیم وقتیکه بدیگران مینگریم در نظر آریم که در ماورای همه پرده های تعصبات و توهمات آنها يك لطیفه الهی که همان روح انسانی است بودیعه گذاشته شده و همانطوریکه میفرمایند فقط باین لطیفه الهی ناظر باشیم و صورت و مثال الهی را در آن به بینیم و ثانیاً سعی کنیم که فنون و آداب محبت را بیاموزیم یعنی چطور و بچه طریق باید محبت را ابراز کرد عینا مثل گشتی گیری که علاوه بر قدرت جسمی خود را با فنون گشتی نیز آشنا کند در اینصورت البته موفقیت او بیشتر خواهد بود .

* * * *

یکی بسن ۳۰ سال و دیگری ۲۵ سال . یکی از این دو نفر برای اولین بار در جلسه تبلیغی شرکت میکرد و نفر دیگر در حد و چهار پنج جلسه سابقه داشت بعد از تعارفات معمول مبلغ محترم رشته سخن را بدست گرفته راجع بپشارات قرآن باین ظهور مقدس بکمال فصاحت و بلاغت مدت سه ربع ساعت صحبت کردند . واقعا طرز صحبت و استدلال مشارالیه ماهرانه و جالب توجه بود . در حالیکه مبلغ محترم هنوز بسخنان خود ادامه میدادند یکی از حاضرین که احساس کرده بود مطالب مطرح شده مطابق ذوق متحریان حقیقت نیست صحبت مشارالیه را قطع کرده بعد از عذر خواهی با مهارت خاصی رشته سخن را بدست گرفته مدت ده دقیقه راجع بموفقیت کنونی جهان مشکلاتی که دنیای امروز با آن روبروست و علاجی که شریعت مقدس بهائیی برای رفع این آلام پیشنهاد میکند و بخصوص اینکه دیانت امروز معنی واقعی خود را از دست داده و حقیقت آن از انظار مستور شده است صحبت داشت .

بعد از خاتمه جلسه تبلیغی خیلی علاقمند بودم که نظر متحریان حقیقت را نسبت بمطالب مورد بحث بدانم و اتفاقا با یکی از دو مبتدی که چند جلسه سابقه شرکت در این نوع جلسات را داشت همراه شدم در ضمن

برای حل این مشکل ممکن است در موقع مقتضی از معرف استمداد جوئیم و گاهی ملاقاتهای خصوصی با حضور عده کمتری تشکیل بدیم .

رعایت ذوق و سلیقه متحری حقیقت

شکی نیست که افراد از لحاظ ذوق و سلیقه با هم متفاوت اند و بحقیقت دونفر را نمیتوان پیدا کرد که کاملا دارای یکنوع طرز تفکر عقیده و یا سلیقه باشند بنابراین در مواقع صحبت با هر مبتدی باید روش جداگانه اختیار کرد و ذوق و فهم و سلیقه خاص او را در نظر گرفت و از توضیح و تشریح مباحث و مطالبی که مورد علاقه او نیست جدا خودداری کرد زیرا همانطوریکه قبلا تذکر داده شد در مرحله اول ما با قلب و احساسات شخص سروکار داریم نه با دماغ و قوای عقلانی او . تمام سعی و کوشش ما باید متوجه این باشد که مباردا کوچکترین غبار نارضایتی بر خاطر متحری حقیقت بنشیند و این در صورتی امکان دارد که ذوقیات احساسات و علائق او را کاملا در نظر گرفته و تا حدود امکان مطابق مذاق او صحبت کنیم . واقعه ذیل در این زمینه موجب تذکار خواهد بود .

چندی پیش در بیت تبلیغ آقای شرکت کرده بودم در این بیت مجموعا ۶ نفر شرکت داشتیم که دو نفر آنها مبتدی بودند

آهنـگ بدیع

کمتر افرادی را میتوان یافت که حتی کتاب آسمانی خود را تماما مطالعه کرده باشند . برای کسانیکه نسبت بدین تا این درجه بی علاقه باشند آیا عاقلانه است که اساس استدلال خود را بر بشارات و نبوات کتب آسمانی قرار بدهیم . با توجه باین اصل مهم یعنی بی فلائگی مردم نسبت بدین است که حضرت عبدالبهاء ما را تشویق و تحریص بر اقامه دلائل عقلیه میفرمایند .

بطور کلی مردم را بدو دسته میتوان تقسیم کرد که عبارتند از :

اول عده بسیار قلیلی که در محیط مذهبی پرورش یافته و کاملا با اصول دیانت خود پای بند هستند . زکر دلائل نقلی برای این قبیل افراد تحت شرایط و موارد خاص بیش از سایرین منتج به نتیجه خواهد شد . با در نظر گرفتن اینکه چه بسا همین اشخاص را دلائل عقلیه ممکن است بمراتب مفید تر واقع شود که البته تشخیص آن باشخص ابلاغ کننده است .

دسته دوم افرادی که ظاهرا متدین بوده ولی قلبا برای اصول مذهب خود چندان اهمیتی قائل نمیشوند اکثریت مردم متدین جهان را این دسته از مردم تشکیل میدهند که مذهبشان کاملا بر اساس تقلید استوار است

راه مشارالیه ناگهان زبان بسخن باز کرده چنین گفت: " من چند جلسه است که در این بیت شرکت میکنم و مبلغ محترم هر دفعه از حدیث و آیه بامن صحبت داشته اند .

حتی جلسه قبل چند ساعت صرف پیدا کردن آیات قرآنی و احادیث متعدد کردند من اطلاعاتم در این زمینه آنقدر نیست که واقعا بتوانم این مطالب را درک کنم وانگهی از کجا بفهمم که تمام تفاسیری که ایشان میکنند صحیح باشد . با اینکه پدرم معمم بوده من آنقدرها به قرآن و حدیث توجه ندارم .

اگر مبلغ محترم دلائل عقلی زکر میکردند خیلی بهتر میتوانستم راجع بدیانت بهائی قضاوت کرده حقیقت آنرا درک کنم . در واقع چیزی نمانده بود که علاقه ام نسبت بدیانت بهائی بکلی سلب شود ولی سخنان شخص بهائی که در آخر جلسه امشب وارد صحبت شد مرا امیدوار کرد ."

این قبیل وقایع که مسلما نمونه های بسیاری شبیه آن میتوان یافت اهمیت این اصل مهم یعنی رعایت ذوق و سلیقه مبتدی را کاملا روشن میسازد .

الیوم اهل عالم را دلائل عقلیه لازم (۱)

در عصر ما مردم جهان علاقه خود را نسبت بدین از دست داده اند بطوریکه

(۱) کتاب مبارک مفاوضات حضرت عبدالبهاء .

آهننگ بدیع

واگرازانها سؤال شود خود را بیکى از اديان منسوب داشته و غالباً در موارد لزوم از آن دفاع هم میکنند . چون اطلاعات مذهبی این دسته خیلی قشری و سطحی بود هواز درك حقائق روحانی بسی دور و مهمجور میباشند متوسل شدن بدلائل نقلیه در مواقع صحبت با آنها کمتر منجر به نتیجه مثبت خواهد شد . اما گروه سوم یعنی کسانی که اصلاً بلزوم دین اعتقاد نداشته و حتی آنرا برای جامعه ضرر می شناسند بدیهی است که در هرگونه شواهد نقلی و یا بشارات آسمانی در مراحل اولیه برای این افراد ممکن است حتی نتیجه معکوس ببخشند . بطور کلی در مواقع مذاکره با این اشخاص دین را باید از جنبه آیه وحدیث خارج کرد و صرفاً آنرا از جنبه عقلانی و علمی مورد بحث قرار داد .

(نمونه هایی از دلائل عقلی انشاء الله بعداً ذکر خواهد شد) .

(پایان قسمت اول)

بقیه از صفحه ۲۴۰ (نقد عمر)

محروم گردیم و راه مطالعه و استخراج و تکاپو و استکشاف را بدیگران واگذاریم . این قوه قدسی در عالم انسانی لا محاله بشدت بی اندازه قدرت نمائی خواهد نمود و ید بیضاء نشان خواهد داد . تمدن عصر ذهبی حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی را پدید خواهد آورد و معادن مکنونه و جواهر مخزونه در کینونت انسانی را آشکار خواهد نمود . پس ما که از نزدیکانیم چرا محروم مانیم و از موقع استفاده نکنیم و در صد تممن و تفرس در آیات و کلمات نباشیم و از معارف امریه نصیب نگیریم . وقت را که سرمایه بی نظیر فوت شدنی است صرف امور باقی و شئون سرمدی ننمائیم و بحد اعلی از این ثروت که بسرعت روینا است نتیجه نگیریم و بحقیقت واقع این اعتقاد صمیمی قطعی را در دل نپروریم که آنچه غیر او است لائق یوم اعظم او نیست و لا محاله فانی شدنی است . ثروت بی حساب در سراپرده خدمت بامر حضرت رب الارباب مستور است و از لوازم خدمت تلاوت آیات رب البینات و غور در بحر ذخار آیات و استفاضه از این اعظم نعمات است تا چنین نکنیم در میدان تبلیغ یگه تازی نتوانیم و تا یگه تاز میدان تبلیغ نباشیم بعهد الهی عمل نمود ه ایم . اینها چون سلسله زنجیر بیکدیگر بسته و پیوسته است از یکی بدیگری رفتن آسانست ولی ترك یکی بمنزله از دست دادن جملگی است .

* * * *

* * *

* *

صبح ظهور

نعت آریا

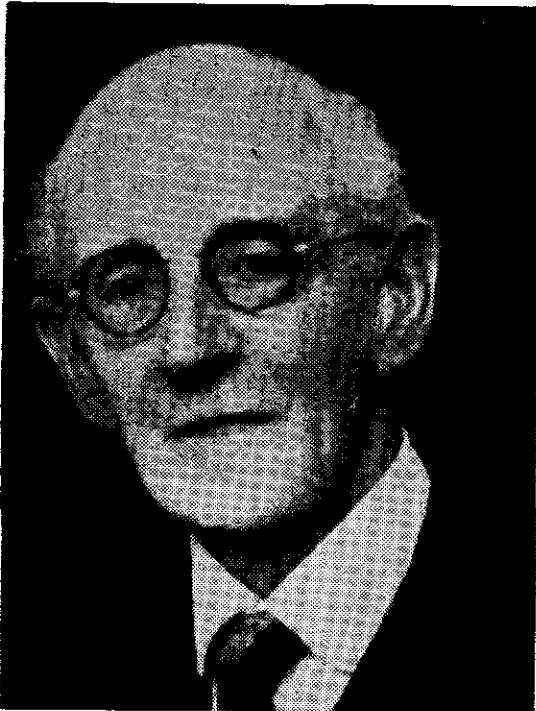
این باغ بهشت است	یا منظر حور است	این عارض ماه است	یا طلعت هور است
این قامت دلدار	یا شاخه طوبی است	یا سدره لاهوت	یا نخله طور است
این پرتو اشراق	یا نیّر آفاق	یا جام جهان بین	یا صبح ظهور است
خمخانه توحید	در جوش و خروش است	خلو تگه تقدیس	پرنغمه و شور است
از بانگ هیاهو	گیتی بنشاط است	زیروم چنگ است	آواز طیور است
چون نرگس ساقی	دل مست و خراب است	چون آینه روح	می صاف و طهور است
با ران بهاری	بر لاله خود روی	چون اشک صراحی	در جام بلور است
این نکته فردوس	یا نافه خلد است	یا عطر ریاحین	یا طیب زهور است
آهنگ بدیع است	آئین منیع است	آغاز فتوح است	انجام فتور است
بیدار مخالف	زین بزم همایون	چشم بد ایام	زین ناحیه دور است
تجدید اصول است	تغییر فروع است	انشاء قرون است	ارجاع دور است
آشوب قیام است	تشویش قیامت	هنگامه حشرات	هنگام نشور است
میزان و حساب است	عدل است و صراط ^{ست} است	هم نشر صحائف	هم نفخه صور است
هاطی سماوات	هانشر نجوم است	تکدیر شمس است	تکویر بدور است

آهنگ بدیع

پدرام ز سوئی	فردوس نعیم است	غیرات حسان است	ولدان وقصور است
آماده ز یکسو	بنگاه جحیم است	قهر است و عذاب ^{ست}	ویل است و ثبور است
هاعذب فرات است	هاملح اجاج است	صلصال هموم است	سلسال سرور است
تبدیل زمین است	ابرا ز سرائر	هم نسف جبال است	هم سجر بحور است
هاموسی و فرعون	هریک بمقامی	این محو تجلی	آن مست غرور است
ها احمد و بو جهل	هریک بطرازی	این مظهر نیران	آن مطلع نور است
وین طرفه که امروز	لا برسرا لا	مغلوب زوال است	مقهور دشور است
ها چهره اثبات	بی پرده نفی است	ها گلشن خیرات	بی خار شرور است
آن ماه فلك سیر	بی سترو حجاب ^{ست}	وان راوق نوشین	صافی ز کدور است
ملك و وطن ماست	سرتا سردنیا	ها کسرحد و داست	ها محو ثفور است
اعلام تسا ویست	افراد بشر را	مهر است و و داد ^{ست}	عیش است و حبور است
آزادی نسوان	ازقید حجاب است	اعلان رهائی	ازکید فجور است
ایجاد محاباة	در بین نفوس است	امحاء معاداة	ازلوح صدور است
اوهام و خرافات	در صقع افول ^{ست}	خورشید حقایق	نوار و حرور است
توحید لسان است	تهذیب کلام است	تشید نظام است	تسهیل امور است
ای دل شده عشق	هاروز وصال است	میعاد وصال است	ادراك حضور است
با یار در آویز	وز غیر بیرهیز	کاین حسن تمام است	وان یار غیور است

اسفند ۱۳۰۹

جرج تاونزند



جناب جرج تاونزند در یوم ۱۴ جون ۱۸۷۶ میلادی در شهر (دویلین) متولد شد ایشان از نژاد انگلیسی است که از دوران (کرمول) در مزرعه زیبای (کاسل) - تاونزند (اقامت گزیده بودند .

جناب جرج تاونزند در سن ده سالگی بمدرسه (واتفرد) داخل شد و در سن ۱۴ در مسابقه مدرسه (اوبینگهام) توفیق حاصل نمود . پنج سال بعد از دانشگاه (آکسفرڈ) جائزه گرفت و در سال ۱۸۹۹ - فارغ التحصیل شد .

ایشان در دبستان و دبیرستان ورزشکار نامداری

بود و چندین نشان و جام پیروزی بدست آورد و در دانشگاه آکسفرڈ در مسابقه دو میدانی اول شد .

پس از فراغت از تحصیل در دانشکده آکسفرڈ مجدداً بدویلین رفته در محکمه عدلیه بسمت مدیر تقریر مأموریت یافت و در این موقع به خبرنگاری روزنامه نیز مشغول گردید .

سال بعد به (راکی مونتین) آمریکا رفت و خوشترین ایام زندگی را در آنجا گذرانیید اغلب اوقات با اسب مسافرتهای طولانی نموده اکثر در هوای آزاد زیر چادر زندگی میکرد .

در سال ۱۹۰۶ به خدمت کلیسا داخل شد و در شهر (سالت لیک سیتی) آمریکا بسمت کشیشی در کلیسای (سنت مارک) منصوب شد . و در مدت چهار سال در هیئتی که برای تبلیغ سرخ پوستان و مورمونهای آمریکا مأموریت داشتند ایشان هم سمتی را عهده دار -

آهنك بدیع

بود . در این موقع به کتب مقدسه هند و ها
برخورد کرد و تحت تأثیر این کتب قرار گرفت
از آن موقع دنبال تحصیل علوم ادیان سائره
رفت .

همچنین پس از سفارت از (راگی مونتین)
آمریکا بسمت استاد ادبیات انگلیسی در —
دانشگاه (تنسی جنوبی) آمریکا انتخاب
گردید و در تابستان سال ۱۹۱۶ به
دولین مراجعت کرد و در خدمت کلیسای
ایرلند وارد شد .

جناب جرج تاونزند در ایامی که در —
کلیسا خدمت میکرد با مسافری که از شیکاگو
آمده و اطلاع مختصری در باره تعالیم مبارک
داشت ملاقات کرد فوراً به جستجو افتاد و
در صد تحقیق برآمد و با تمام قدرت برای
کسب اطلاعات بیشتر مجاهدت کرد .

در جولای ۱۹۱۷ اولین اوراق کتیب
بهائی بدستش افتاد . در همان ماه با همسر
آینده خود که از نژاد اسکاتلندی و از نسل
جمس دوم بود ملاقات کرد و در سال ۱۹۱۸
با ایشان ازدواج نمود و هر دو به (گالوی)
رفتند .

در سال ۱۹۱۹ تصمیم گرفت عریضه‌ها ی
بحضور حضرت عبدالبهاء معروض دارد در این
عریضه چنانکه از جواب آن مستفاد میگردد —
جناب تاونزند شرح حال و جستجوی خود

در باره دیانت بهائی و اعتراف به حقانیت
این آئین نازنین را نگاشت لوح زیل که آنرا
حضرت شوقی افندی بانگلیسی ترجمه نموده
بودند بافتخارش صادر گردید .

ایرلاند — جناب جورج تاونشندعلیه
التحیة والثناء

هو الله ای تشنه چشمه حقیقت
نامه ات رسید و ترجمه حیات معلوم گردید .
الحمد لله همیشه مانند بلبل جوای گلستان
الهی بودی و مانند سبزه چمن طالسب
رشحات ابر هدایت بودی اینست که انتقال
بحالات مختلفه نمودی و عاقبت بسرچشمه
حقیقت رسیدی دیده روشن نمودی و دل را
گلزار و گلشن کردی ترتیل آیات هدی نمودی
و توجه بنار موقده در طور سینا کردی حال
در حق تو دعا نمایم تا نار عشق در قلبت
برافروزد و اهتزازات شوقیه در وجودت پیدا
گردد تا بحرکت آئی و پرواز کنی و بمعشوق
حقیقی برسی جان فدای دلبر آفاق کنی و
حیات خویش را وقف نشر نجات الله نمائی
اگر بچنین موهبتی برسی آیت هدی گردی و
شمعی روشن در انجمن انسانی شوی و —
تعمید بروح حیات و نار محبة الله یابی و از
عالم طبیعت تولد ثانی جوئی و حیات ابدیه
یابی علیت البهاء الابهی ۲۴ تموز ۱۹۱۹
(محل امضاء مبارک بخط لاتین "عبدالبهاء عباس"

آهنگ بدیع

از قبل من تحیت و احترام برسانید و علیکم
البهاء الابهی دسمبر ۱۹۲۰
(محل امضاء مبارک بحروف لاتین "عبدالبهاء
عباس") .

جناب تاونزند در سالهای بعد صاحب
دو فرزند یکی پسر بنام (بریان) و دیگری
دختر بنام (آنا) شد طولی نکشید هم
کشیش (CLONFERT) شد وهم عضو
شورای کلیسا گردید .

در سال ۱۹۲۷ کتابی بنام (معبد در
آتش) تألیف نمود که مورد استقبال عموم
واقع شد و روزنامهها تقریظهای زیادی
در باره آن انتشار دادند از جمله روزنامه
(آیریش تایمز) نوشت " کمتر کتابی جای
این کتاب را خواهد گرفت . سبک ادبی
دلپذیر و سمعت نظر وزن و ارزش این کتاب
از هر خواننده ای جلب نظر میکند ."

مجله کلیسای ایرلند نوشت " جلوه و زیبایی
کلمات سنجیده و دلنشین حلقه گم شده ایست
که یافت شده که در هر خانواده اقلا باید
یک جلد آن موجود بوده و در دسترس افراد
خانواده باشد " این کتاب در واقع روح -
بهائی است که در قالب و جسم و صورت -
مسیحیت نوشته شده است .

در سال ۱۹۳۳ کتاب دیگری بنام (نابغه
ایرلند) تألیف نمود در همان سال در کلیسا

در ماه دسامبر همان سال لوح دیگری
از حضرتش بافتخار ایشان صادر گردید که
اعتراف قبلی او را مورد قبول قرار داده -
بودند :

" حضرت قسیس چون تونزهید - قسیس
کلیسای ایرلند علیه بهاءالله الابهی
هو الله ای شخص منور لاهوتی و ذات محترم
ملکوتی نامه شما رسید جمیع کلمات دلالت
بر ترقی روحانی و انبعاثات وجدانی بود این
احساسات ملکوتی شما قوه جاذبه ایست که
جاذب تأییدات ملکوت الله است و ابواب
حقایق و معانی بر شما باز خواهد نمود -
تأییدات ملکوت الله خواهد رسید قلب
انسان مانند آشیانه است و تعالیم حضرت
بهاءالله مانند مرغ خوش الحان البته از این
لانه آهنگ ملکوت بگوشها میرسد و نفوس را
احساسات ملکوتی می بخشد و ارواح رازنده
میکنند امید وارم که کلیسای شما در ظل
اورشلیم آسمانی در آید سستی اعضا
جسمانی ضرری ندارد الحمد لله روح پر
قوت است چنانچه حضرت مسیح میفرماید که
تن ناتوان و محزون ولیکن روح در بشارت
گبری است پس بدان بهمین روح جسم نیز
قوت گیرد مطمئن باش که در ظل الطاف
حضرت بهاءاللهی .

بدختر عزیز حرم محترمه ات و سایر خاندان

آهنگ بدیع

ارتقاء درجه پیدا کرد و به درجه اسقفی نائل آمد .

در سال بعد بسمت ریاست اساقفه انتخاب گردید و در همان سال کتاب (موعود گل - اعصار) را تألیف نمود در این کتاب بی نظیر بشیوه فاضلانه ای بشارات و اشارات کتب مقدسه درباره ظهور مبارک جمع آوری و استخراج گردیده است . پنج سال بعد کتاب " قلب انجیل " را که یک کتاب استدلالی است تألیف کرد .

در سال ۱۹۴۷ از عضویت کلیسای ایرلند استعفا کرد و رسماً تمسک خود را به دیانت - بهائی اعلام داشت و به شهر دویلین سفر تبلیغی و مهاجرتی نمود .

پس از آن تا آخر ایام حیات تمام اوقات خود را صرف تبلیغ امر مبارک و نوشتن کتب و مقالات امری در مجلات و جرائد اروپا و آمریکا نمود .

از جمله تألیفات فاضلانه دیگر ایشان " مسیح و بهاء الله " " پیام بهاء الله " و " بشارات حضرت بهاء الله " را میتوان نام برد . مقام و مرتبت او چنان والا است که از جانب حضرت ولی امرالله به " ابوالفضائل غرب " موسوم گشتند .

جناب جنج تاونزند در دسامبر سال ۱۹۵۱ از طرف حضرت ولی امرالله بمقام ایادی امرالله در اروپا ارتقاء یافت و افتخار ابدی نصیبش گردید .

این نفس جلیل و فاضل عالیقدر در ۲۵ مارچ ۱۹۵۷ در لندن بملکوت ابهی صعود کرد و حضرت ولی امرالله طی تلگرافات متعدد خبر صعود را بعالم بهائی اعلام فرمودند و از - خدمات مهمه اش تقدیر نمودند .

درباره رنگها

در جواب سؤال از رنگها فرمودند : اما اصطلاحات شرق است که :
لون بیضارا بمشیت . و حمرارا بقضا و شهادت . و خضرارا بمقام -
تقدیر . و صفرارا باجرای امور تعبیر مینمایند .
از " بدایح الاثار "

اندیشه اقتصادی در دیانت بهائی

دکتر عباس کاشف

در این قرن افخم طلایع نظم جهان آرای الهی پیوسته در جلوه و شهود است و آثار روح نبأضه قدسیه اش در نمو و بروز زیرا حضرت بهاء الله مؤسس و شارع نازنین این آئین مبین با ظهور خویش روح حیات بجامعه انسانی دمیدند و زنگ غفلت از آئینه دلها زدودند. تعالیم مبارکه که منطبق با احتیاجات زمان و روح عصر نازل گردیده نه تنها با فلسفه خاص و حکمتی متین و منطقی رزین وضوع شده است بلکه جهت جهانی آن خود موجب گردیده است که کافه اهل عالم را در بر گیرد و بر بنی نوع انسان تسری یابد.

از جمله تعالیم حضرت بهاء الله حل مسئله اقتصاد بنحو مطلوب است. این اندیشه که در ظل يك نظم روحانی جهانی در آمده در هیچیک از ادیان پیشین سابقه نداشته و بسیار بدیع و مبتکرانه است.

بمنظور بررسی این اندیشه در دیانت مقدسه بهائی ذکر مقدمه ای درباره فرضیه و دگرترین ضروری است. کلمات تئوری

(THEORY) و دگرترین (DOCTRINE)

مباحثات لفظی و علمی بسیاری را موجب شده است. علمای اقتصاد هر يك بفراخور حال و نیروی اندیشه خویش این دو اصطلاح را در موارد مخصوصی بکار برده اند لیکن هنوز حد مشخص و معینی را برای تعریف تئوری و دگرترین پیدا نکرده اند و بهمین جهت هم تعاریف مختلفی برای این دو واژه بیان شده است.

پیرو (PIROU) عالم اقتصادی فرانسوی معتقد است که باید بین تئوری و دگرترین فرق نهاد. بنظر او فرضیه علمی در اقتصاد عبارت از معرفت بر حقیقت اقتصادی است و دگرترین عبارتست از قضاوت بر تئوری در زمینه اخلاقی با این دو تعریف روشن است که پیرو در تئوری اقتصادی معتقد به بررسی علت و معلول است و بهمین سبب اقتصاد را از نظر علمی نظری (SPECULATIVE) میدانند در حالیکه دگرترین بنظر او ناظر به علت و معلول نبوده و صرفاً دستوری (NORMATIVE) است.

تئوری از يك حقیقت بر می خیزد و از يك

آهن‌دگ بدیع

اندیشه علمی مایه می‌گیرد. دکتورین ملهم از بعضی آرمانها است. فرضیه علمی ملاحظه کیفی است و قوانین مربوط بآنرا کشف مینماید در حالیکه دکتورین از آنچه که باید باشد سخن میگوید.

عالم اقتصادی تئوری میسازد و وضع قانون اقتصادی میکند. صاحب دکتورین ارزشها و نظامات جدید می‌نهد و برنامه اصلاحی پیشنهاد مینماید.

یکی دیگر از علمای اقتصادی فرانسوی بنام دانیل ویلی (DANIEL VILLEY)

تئوری و دکتورین را بدین گونه بازمی‌نماید: دکتورین فکری شخصی و انفسی است

(SUBJECTIVE) و فرضیه علمی -

اندیشه ای عینی و آفاقی. با این تصریف ویلی دکتورین را مربوط به شخصی میدانده که

آن را بار آورده و یا مربوط به گروه و - جمعیتی میدانده که بواسطه داشتن امتیازات

خاصی پیرو آن فکر و عقیده شده اند (مانند دکتورین سن سیمونین ها - دکتورین فیزیوکراتها

- دکتورین اسپینوزا - دکتورین برگسون) -

در صورتیکه تئوری را بنظر او نمی‌توان به شخص یا گروهی نسبت داد (مثلا نمی‌توان

ادعا نمود که نیوتن بوجود آورنده قانون جاذبه است یا کریستف کلمب خالق قاره -

آمریکا است بلکه قانون جاذبه در عالم هستی

موجود بوده است و نیوتن صرفا آنرا باز شناخته است و قاره آمریکا در کره خاک وجود داشته و کریستف کلمب آن را کشف کرده است).
بعبارت دیگر دکتورین یک طریق تفکر شخصی است و تمام علوم از جمله علم اقتصاد عینی و دارای حقیقت خارجی است.

شوم پیتر (SCHUMPETER) عالم اقتصادی اطریشی نیز درباره تئوری و دکتورین سخن گفته است. او معتقد است که تحقیقات اقتصادی دو گونه است: یا جنبه تجزیه و تحلیل دارد و یا بیان افکار.

تجزیه و تحلیل اقتصادی بمنظور درست

کردن مفهوم علمی است که بوسیله آن کشف علت و معلول میشود و با باز شناختن علت و

معلول به حقیقت می‌توان رسید در حالیکه افکار اقتصادی بیان وقایع اقتصادی توسط

یک نفر محقق اقتصادی بی توجه به علت پیدا آنها است. با این توضیحات روشن است که

تمیز بین تئوری و دکتورین در همه موارد بسی دشوار است و بهمین علت نیز علمای اقتصاد

از ذکر دکتورین عقاید اقتصادی یا تئوریهای عقاید اقتصادی پرهیز می‌کنند و بجای آن ذکر

اصطلاح " افکار اقتصادی " را مناسب تر میدانند. اما با این همه میتوان در بعضی

موارد تئوری را از دکتورین باز شناخت.

* * *

دکترین اقتصادی بهائی

با توضیحاتی که راجع به فرضیه و دکترین آورده شد اساس عقاید دیانت مقدسه بهائی در زمینه مسائل اقتصادی را میتوان دکترین اقتصادی بهائی نامید زیرا همانطور که در مقدمه ذکر شد دکترین عبارت از بیان آرمانهای یک فرد یا یک جامعه است و چون دیانت بهائی خود در پدیده های اقتصادی و علت پیدایش آنها وارد نگردیده و صرفاً اکتفا به بیان کمال مطلوب جامعه انسانی نموده است لهذا اطلاق لفظ دکترین در این مورد بسیار رسا و بجا است و نمیتوان تعالیم اقتصادی بهائی را تئوری اقتصادی تلقی نمود . این حقیقت را میتوان از بیان حضرت ولی امرالله ارواحنا لمظلومیتة الفداء بخوبی دریافت :

” در امر بهائی بطور کلی راجع بمسائل اقتصادی تعالیمی که جنبه فنی داشته باشد از قبیل امور مربوط به بانک و قیمت ها و غیره وجود ندارد . امر بهائی اساساً دستگاہ اقتصادی نیست و مؤسسه بین آنها نیز نمیتوان متفنین در علم اقتصاد دانست آنچه امر بهائی درباره اقتصادیات بعالم اضاضه کرده اصولاً بطور غیر مستقیم بوده و منظور از آن اجرای اصول روحانی در تشکیلات اقتصادی کنونی دنیا میباشد .“

” حضرت بهاءالله تعالیم اساسی چندی بما اعطاء فرموده که در مستقبل ایام را بمنمای اقتصاد یون بهائی قرار خواهد گرفت تا طبق آن تعالیم مؤسساتی از برای تعدیل روابط اقتصادی عالم تأسیس نمایند .“ (۱)

بنابراین بحث درباره مسائلی از قبیل بانک و بانکداری و پیدایش قیمت ها و یا بیان مسائلی چون تعادل اقتصادی - سرمایه گذاری - مصرف - بحران اقتصادی کاملاً جنبه فنی داشته و این بعهدہ علمای اقتصاد بهائی است که در آینده گرد هم آیند و - بسائقه فکری و نیروی اندیشه خویش با توجه به دکترین اقتصادی بهائی تئوریهای متینی وضع نمایند .

با تفکر و تعمق در این بیان مبارک - پیداست که تازمانی که اساس و اصول عقاید اقتصادی بهائی برای ما روشن نشده است و تا آن هنگام که زمینه برای چنین اقداماتی حاضر و مهیا نیست نمیتوان انتظار داشت که علمای اقتصادی بهائی بوضع تئوریهای فنی اقتصادی مبادرت ورزند . این معنی از بیان مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه مستفاد میشود :

” محفل روحانی ملی خاطر احبای الهی رابسه

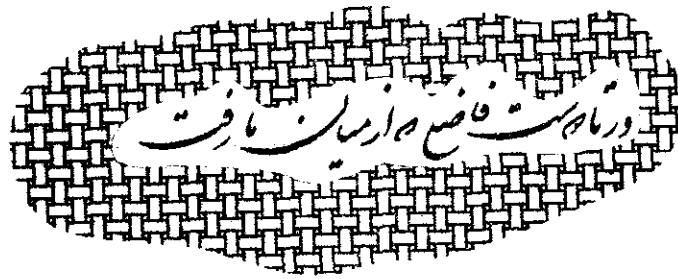
(۱) نظامات بهائی صفحه ۴۰ .



جمعی از جوانان بهائی طهران در یکی از جلسات جشن
بین المللی جوانان بهائی - پنجم فروردین ماه ۱۳۴۲ طهران



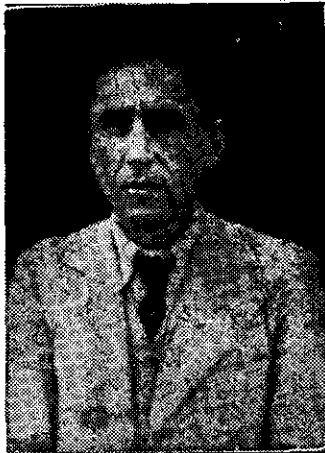
جوانان بهائی آبادان در جشن بین المللی جوانان - پنجم فروردین ماه ۱۳۴۲



ذکائی بیضائی

سالها باید نه تايك سنگ اصلی ز آفتاب
 ماهها باید که تايك پنبه در انزآب و خاك
 لعل گردد در برد خشان یا عقیق اندر یمن
 شاهدی را حله گردد یا شهیدى را کفن
 عمرها باید که تايك کودکی از روی طبع
 عالمی گردد نکو یا شاعری شیرین سخن

مهممممممممممممممممم



آنچه در این سطور تحریر رفته بیان احوال یکی از
 مصادیق این شعر محققانه " حکیم سنائی غزنوی
 علیه الرحمه است که در قصیدهای که مطلعش این است
 برگه بی برگى نداری لاف در رویشی من
 رخ چو عیاران نداری جان چو نامردان مکن
 میفرماید :

عمرها باید که تايك کودکی از روی طبع

عالمی گردد نکو یا شاعری شیرین سخن

در سال ۱۳۰۸ شمسی روزی مراجعتی بوزارت فرهنگ کشید و بدنبال انجام آن با طاق
 رئیس اداره تعلیمات طهران راهنمایی شدم در این اطاق رئیس اداره آقای میرزاهدی خان
 اشتری و معاونش مردی بنام مرآت نشسته بودند و من در ضمن بیان مطلب خویش و شنیدن
 جواب و گفتگوهای که در زمینه مطلب بعمل آمد این هردو نفر را مردانی مطلع و سخن سنج
 یافتم و مآلا فارغ از انجام یا عدم انجام کار خویش نسبت بآنان در خود احساس ارادت کردم و
 گوئی آنان نیز از مصاحبت من دریافته بودند که جوانی خوشه چین خرمن ادب و دوستدار
 مردان فضیلت و سخنم لهذا با راهنمایی های لازمه انجام کارم را که بایستی با موافقت مقام
 بالاتر صورت میگرفت بروزی دیگر موکول داشتند .

آهن گدایع

در مراجعه ثانوی بازار صحبت ما گرمتر شد سخن از شعر و ادب بمیان آمد رئیس اداره شاعر نبود ولی ذوق و بیانی ادیبانه داشت سخن بسامان میگفت و در مباحث مطروحه نظرات محققانه اظهار میکرد اما جناب مرآت در فنون ادب متبحر و در آئین سخن بصیر و در شعر طبعی دلیر داشت .

اما افسوس که در این مراجعه کارمن در آن اداره پایان پذیرفت و دیگر بهانه ای برای مراجعه و استفاده از محضر جناب مرآت برایم نماند .

پانزده سال بر این مقدمه گذشت و من سالی چند از این مدت را در ولایات بسر برده و اخیراً باز بطهران منتقل شده بودم روزی یکی از دوستان دانشمند و ادب دوستم در ضمن صحبت های دیگر از من پرسید آقای ورتا را میشناسید گفتم تا حال زیارتشان نکرده ام فصلی از فضایل و کمالات او بر شمرد و برخی از سخنان شیوا و اشعار دلپسند او بر من فرو خواند و اضافه کرد که حیف است شما با چنین کسی آشنا نباشید از او استدعا کردم و بدنبال استدعای التماس نمودم که مرا بخدمتش راهنمایی فرماید و از فیض صحبتش برخوردارم سازد او نیز از ابراز محبت دریغ نکرده مسئولم را اجابت نمود و او و مرا برای روزمعینی بمنزل خویش دعوت

فرمود .

روز موعود فرارسید و من زودتر از اینکجه ورتا وارد شود در منزل آن دوست عزیز حاضر شده بودم و همی دیده بر در داشتم که آن شاعر ندیده و این فاضل تا دیروز اسمش را نشنیده وارد شود تا از دیدارش خرسند و از محضرش بهره مند گردم انتظار بپایان رسید و جناب ورتا از در آمد دیدم مرآت پانزده سال پیش است رسم تحیت بجای آوردم و - ادای احترام نمودم و در ضمن از علت تغییر نامش پرسیدم جواب داد وقتی جناب اسمعیل مرآت بوزارت معارف منصوب گشت از من تقاضا کرد نام مرآت را خاص او بدانم من نیز رعایت ادب را اطاعت کردم و نام خانوادگی خود را از مرآت بورتا تغییر دادم .

روز خوشی بود از من خواست اشعاری برایش بخوانم اطاعت کردم و من نیز با اشتیاق فراوان متقابلاً همین تقاضا را از او نمودم - اشعاری متین و شیوا از وی شنودم .

جناب ایشان در شعر سلیقه مخصوصی داشت خیلی مشکل پسند و بسیار دقیق و نکته سنج بود از کوچکترین لغزشی سهل است از کمترین ترك اولائی در سخن نمیگذشت بیانش مستدل و کلامش جامع الاطراف بود -

آنروز سخن از حدود شعر و ادب تجاوز نکرد ولی از فحسوی بیاناتش مستفاد میشد کسه

آهنگ بدیع

اهالی ارومیه (رضائیه) آذربایجان و در
طهران سکونت داشتو چون در ساوجبلاغ -
دارای علاقه ملکی بود غالبا در آن سامان
بسر میبرد مادر جناب ورتا دختر شیخ اسمعیل
یکی از دو فرزند زکوری حضرت طاهره
(قرّة العین) و نوه ملا صالح قزوینی بود .

ورتا سیزده سال داشت که پدرش فوت
شد و او بعد از پدر دنباله تحصیل و مطالعه
را از دست نداد و چون علاقه مفرد بحکمت و
فلسفه داشت بتحصیل و مطالعه کتب فلسفی
پرداخت دو سال در محضر مرحوم میرزا
باقر خان قوام الحکماء لاهیجی و دوازده -
سال نزد دکتر داود خان همدانی بتلمّذ
الله پرداخت و چندی نیز از صحبت ناشرنجات
جناب شیخ ابراهیم معروف بفاضل شیرازی
علیه رضوان الله و مدتی در حضور حاج شیخ
عبدالرحیم اصفهانی نوه صاحب الفصول
استفاده نمود تا در این فن بصیر و صاحب
نظر گردید .

کیفیت تصدیق و ایمان جناب ورتا بامر مبارک
ورتا در حالیکه با سالها تحصیل حکمت و
فلسفه بهیچیک از اصول دیانات پای بند
نبوده و بلکه معتقدات مذهبی و کتب دیانتی
را مجموعه از اوهام می پنداشت و بمعقدین
ادیان و مذاهب با نظر حقارت مینگریست
روزی یکی از آشنایان معاشرش باواظهار

فضائلی برتر از شعر و ادب دارد و در -
مصاحبت های بعدی دانستم که وی مردی
دوستدار حکمت و در فلسفه شرق سالها
تلمذ کرده و در این فن مطالعه و تجرّی
بسزا دارد .

در همان اوان یعنی سال ۱۳۲۴ -
شمسی بود که با اجازه کتبی محفل مقدس
روحانی طهران انجمن ادبی امری تأسیس
کردم و از جمله جناب ورتا را نیز بآن محفل
ادب دعوت نمودم مرتبا در آن مجمع انس
حاضر میشد و در مطروحه های انجمن
شرکت میکرد و در سال ۱۳۳۰ شمسی نیز که
انجمن ادبی طهران را تأسیس کردم او -
عضو مفید و علاقه مند آن انجمن بود . در
کتاب تذکره چهل و هشت تن از شعرای
معاصر که در سال ۱۳۳۹ تألیف و چاپ
کرده ام با اینکه او از غایت فروتنی هیچ
مایل بخود نشان دادن و تظاهر نبود
باصرار مختصری از شرح احوال و نمونه ای
از آثارش را در آن کتاب مندرج داشتم و -
تنها عکسی نیز که از وی بدست آورده بودم
در آن کتاب گراور کردم .

* * *

جناب ورتا در سال ۱۲۷۳ شمسی در
طهران بدنیا آمده پدرش حاج سید -
عزیز الله که مردی دانشمند و متعین بود از

آهنسگ بدیع

جناب ورتا بعدا با ادیب بارع جناب
میرزا عزیز الله خان مصباح و حکیم بزرگوار
حضرت فاضل شیرازی علیهما رضوان الله
آشنا شد و در صحبت آنان مدارج ایمان
و ایقانش کمال یافت و بطوریکه در طی این
شرح اشاره رفت چندی نیز در محضر فاضل
شیرازی بتکمیل اطلاعات فلسفی خویش
پرداخت .

جناب ورتا ارادت و علاقه بحضرت مصباح
داشت و غالب اشعار و قصائد عربی خود را
بر وی عرضه میداشت و نظرات اصلاحی او را
در سرودهای خویش رعایت میکرد و بعضی از
قصائد آن جناب را نیز استقبال نموده و -
غالباً نیز ضمن اشعار خویش ویرا باستادی
ستوده و ارادت خود را نسبت با و ابراز -
داشته است .

جناب ورتا تا قبل از اینکه مریض و خانه
نشین شود در تشکیلات امری شرکت میکرد
چندی مصحح کلاس مشق نطق جوانان
و زمانی عضو لجنه کتابخانه و لجنه تبلیغ
و اخیراً سالیان متمادی عضو مفید لجنه ملی
تصویب تألیفات امری بود و آنقدر نسبت
باین لجنه علاقه داشت که غالباً با حالت
کسالت نیز در لجنه حضور مییافت و نظرات

داشت که اگر موافقت فرمائید فردا کتابی
را برای مطالعه نزد شما بیاورم او نیز که
اهل مطالعه و دوستدار کتاب بود این
اظهار را بحسن قبول تلقی فرمود و بامید
دیدار فردا و دریافت کتاب از یکدیگر جدا
شدند .

جناب ورتا نگارنده را فرمود که از عجب
این بود که من آنشب را در رؤیا دیدم که
شخصی کتابی بقطع و قطر معین بمن تسلیم
داشت و روز بعد که در خیابان باآندوست
عزیز در محل موعود ملاقات کردم و کتاب
معهود را که کتاب فرائد جناب ابوالفضل
گلپایگانی بود بدستم داد دیدم عین
کتابی است که شب در رؤیا آنرا دیده ام و
عجب تر اینکه وقتی کتاب را گشودم هاولیین
جمله که نگاهم افتاد این بود (کذا رایت
فی الرؤیا) (۱) آنرا بستم و با خود بمنزل
بردم این کتاب را تا او اسطش با غروری -
تمام مطالعه کردم تا جمله رسیدم که
تکانی شدید در من پدید کرد و از آن پس
نحوه مطالعه تغییر یافت و قرائت را با
دقت و توجهی بیشتر ادامه دادم و چون
کتاب با آخر رسید جز تسلیم بحقیقت و اذعان
بحقیقت صاحب امر چاره ندیدم .

(۱) کتاب فرائد چاپ مصر ص ۳۱۳ .

آهننگ بدیع

و راهنمایی‌ها و مورد استفاده قرار میگرفت .

خدمات دولتی

جناب ورتا در سال ۱۳۹۹ شمسی وارد خدمات دولتی شد ابتدا در وزارت فرهنگ مشغول کار گشت و سپس بترتیب در وزارت دادگستری و وزارت دارائی (اداره گل بازرسی) مصدر خدمات مهمه در مرکز و ولایات بود و سالی چند نیز بریاست اداره دخیات اصفهان انجام وظیفه کرد تا در سال ۱۳۳۷ در سلك باز نشستگان وزارت دارائی در آمد و سرانجام بعد از تحمل رنج يك كسالت ممتد در ۳۰ اردی بهشت ماه سال جاری (۱۳۴۲) بدرود حیات گفت علیه رضوان الله و بهائه .

جناب ورتا شاعری استاد و ادیبی نکته سنج و منقّدی دانشمند بود و انواع شعر را از — قصیده و غزل و مثنوی و غیره بکمال فصاحت میسرود تعداد اشعارش بدرستی معلوم نیست و بعد از فوتش تا حال دسترسی بآثارش حاصل نشده است امید است بهمت دوستان علاقه مندش در آتیۀ نزدیک آثار گرانبهایش زینت بخش عالم ادب گردد .

در این شماره یکی از اشعار ایشان تحت عنوان (صبح ظهور) بعنوان نمونه بنظر خوانندگان عزیز میرسد .

~~~~~

بقیه از صفحه ۲۵۸ ( اندیشه اقتصاد ی . . . )

دستور العمل زیر ( نقل از مجله بهائی نیوز مورخ ص ۱۹۳۳ ) معطوف میدارد : حضرت شوقی افندی فعالیت‌های لجنه اقتصادى محفل ملی و علاقه بعضی از اعضای این لجنه را در پیدا کردن طرق و وسائلی جهت عملی کردن تعالیم اقتصادى بهائی که در بعضی از آثار حضرت بهاء الله و در برخی از آثار و بیانات شفاهی حضرت مولی الوری ذکر گردیده از صمیم قلب مورد تقدیر قرار میدهند ولی حضرتشان معتقدند که هنوز زمان اقدام چنین فعالیت‌هایی نرسیده است . در ابتدا اما بایستی تعالیم اقتصادى را با توجه بمسائل اقتصادى جدید دقیقاً مورد مطالعه قرار دهیم تا آنکه بتوانیم آنچه که مؤسسين این آئین بیان فرموده اند و نه آنچه که ما از آثار مبارکه آن وجودات مقدسه استنباط می‌کنیم واقف شویم .

بین تشهیر و شناساندن يك اصل اساسی و پیدا کردن طریقى عملی جهت آن اصل با توجه با مکانات موجود فرق بسیار است . (۱)

( پایان قسمت اول )

( ۱ ) مجله بهائی نیوز نمره ۸۶ اوت ۱۹۳۴ .

# تاریخ صعود جناب ورتا

غلامرضا اروحا

بصرفان و حکمت ادیبی چو ورتا  
باصل و نسب هاشمی بود و والا  
بود زنده چون اهل علمند احیا  
که بر چشم صاحب دلا نست پیدا  
که مارا سخن گوست با شعر شیوا  
بود روح ارباب ایمان و تقوی  
کجا از عدم بیزم انس است بریا  
که او راست در عالم پاک مآوی  
نستند دل اهل عقبی بدنیا  
روانش بقرب خداوند یکتا  
یکی قطره گردید و اصل بدریا  
سی ام روز شد سوی جنات علیا  
یکی رفت از جمع بیرون و گفتا

بسی چرخ گردید تا شد هویدا  
بفضل و ادب اوستادی معظم  
گر الناس موتی شنیدی بدان کو  
چرا گویم از دیده گردیده پنهان  
بیان بدیمش دلیلی است واضح  
وجود یکه بر آن عدم ره نیابد  
کجا از عدم گشته آثار ظاهر  
مزارش مجوئید در خاک تیره  
جهانرا چو فانی بدیدند زانرو  
بود شادمان آن ادیب یگانه  
یکی زره پیوست بر مهر تابان  
زاردی بهشت آن بهشتی خصائل  
بروحانی از بهر سال صعودش

که واصل بحق گشت و تاریخ شمسی

در آمد " بحق نعمت الله ورتا "



## بیادوریا

ذکائی بیضائی

بنو بهار که روید ز دشت و در سو سن  
 بموسمی که بود باغ و گل طراوت خیز  
 چرا نهفت رخ اندر نقاب تیره خاک  
 گران گرفت زیاران خویشتن ز چه رو  
 جهان فضل و ادب نعمه الله ورتا  
 مگر بعالمی از نور داشت دیده فراز  
 مگر بگلشنی از معنی التفاتش بود  
 مگر ز لطف و صفا و نشاط بزمی دید  
 برفتی از بر مانا که ایر فیق ادیب  
 تو بودی آنکه گشود ی چولب بجل رموز  
 تو بودی آنکه کمال و فضیلت و تقوی  
 چرا بسوک تو نام که این سفر که ترا است  
 بعالمی شدی ای روح پاک کز هر سو

بلسر زبان ز چه خاموش گشت سوسن  
 چرا فسرد گل باغ فضل و دانش و فن  
 کسیکه داشت دل از نور معرفت روشن  
 سترک شخص فضیلت بز رگه مرد سخن  
 که خامه راست زبان در محامدش الکن  
 که چشم بست ازین تیره خاکدان کهن  
 که خار زار جهانرا نداشت مستحسن  
 که عزم کرد بد انسوی ازین سرای محن  
 در بیخ از آنهمه دانش فسوس از آنهمه فن  
 شدی بخرمن ابهامو جهل آتش زن  
 گرفته بود بجان در نهاد تو مامن  
 همه معارج روح است نی مهابط تن  
 کنی مشاهده انوار طلعت ذوالمن

بقطع انس تو دارد ذکائی آه و فغان

کزین غم آب شود دل و گریه ز آهن

\* \* \*  
 \* \*  
 \*

# بشارت و اشارت دیانت حضرت بودا راجع بطور جمال آن سر بر

سرنگ حسین آوارگان

در خلال درج شرح شریعت بودا در شماره های ششم و هفتم سال گذشته "آهنگ بدیع" مقاله جالب و قابل استفاده ای از فاضل محترم جناب سرهنگ آوارگان در بیان "بشارت و اشارت موجوده در دیانت حضرت بودا در باره حضرت بهاء الله" "بآهنگ بدیع واصل گردید که هیئت تحریریه از نظر کمال استفاده خوانندگان عزیز از شرح شریعت بودا اولی و انسب آن دید که مقاله مزبور را از نظر ارتباط تام با شرح دیانت بودا بلا فاصله پس از اتمام تاریخچه مذکور از نظر خوانندگان عزیز بگذرانند ولی متأسفانه درج آن تا این شماره بتأخیر افتاد .

لذا با اظهار تشکر از همکاری جناب سرهنگ آوارگان از این شماره بدرج مقاله ایشان مبادرت میورزیم و امید داریم کماهو حقه مورد استفاده خوانندگان عزیز قرار گیرد .

"هیئت تحریریه"

مقدمه:

باید متذکر شوم افتخار ابتکار مبادرت با اولین انتشار در این موضوع راجع به خانم فاضله ناطقه شیرین خانم فوزدار است که جزوه ای بزبان انگلیسی تحت عنوان "حضرت بودا و آمیت ابها" (۱) منتشر فرموده اند جزوه مزبور شامل تاریخ حیات حضرت بودا (عاری از افسانه های الحاقی) بوده و ضمناً نقل يك مکالمه از حضرت بودا با یکی از تلامیذ است راجع به (آمیت ابها بودا (۲)) ساکن در بهشت غربی در ارض مقدس که دارای این شرافت و امتیاز است که هرکس نام او را چند روز ذکر کرده و از روی خلوص و صمیم قلب با او متوسل شود

LORD BUDDHA & AMITABHA ((۱))

AMITABHA BUDDHA ((۲))

## آهنسگ بدیع

پس از مرگ در ارض مقدس آنحضرت وارد والی الابد در بهشت غربی خواهد بود و همچنین نقل آخرین مکالمات حضرت بودا راجع به ( متریا ) یا ( متیا ) ( ۱ ) که بودای آتی باشد پس از حضرت بودا .

ایشان پس از آن تاریخ امر مبارک و انطباق ( HOLY LAND ) یا ( PURE LAND ) ( فلسطین ) و همچنین ( بهشت غربی ) ( ۲ ) با آن اراضی و بالاخره تعالیم امر مبارک را ذکر نموده مستخرجاتی از بیانات مقدسه خطابه حضرت عبدالبهاء در معبد ژاپونیا در کالفرنیا آمریکا را که خیلی بجا است نقل فرموده اند پس از انتشار ترجمه بزبان ویتنامی جزوه مزبور در ویتنام سئوالاتی پیش آمد که مطالعه مجدد و تأمین مدارک مثبت برای جواب سئوالات لازم گردید .

اولا - پیروان مکتب ( MEHAYANA ) که اکثریت معظم بودائیها را تشکیل میدهند و به پرستش ( آمیت ابها ) معتقد میباشند کتب دینی خود را آورده ارائه دادند که در آنجا نوشته بود ( آمیت ابها ) در متجاوز از ۱۵ دوره قبل جهان بوجود آمده است و فعلا در دوره کامل است که در ( بهشت غربی ) در ( ارض مقدس ) سلطنت میکند و متوسلین بخود را می پذیرد .

ثانیا - پیروان مکتب اقلیت ( HYNAYANA ) وعده های از متجددین معتقد هستند که مسئله ( آمیت ابها ) از حضرت بودانیست و الحاقی است .

ثالثا - دلائل بیشتری برای انطباق ( متیا ) موعود با جمال اقدس ابهی جل اسمه الاعلی لازم بود . حل این سه مسئله در تکمیل جزوه منتشره خانم فوزدار موضوع و هدف این مقاله است ( ۳ )

---

( ۱ ) MAITREYA OR METTAYYA ( ۲ ) PARADISE IN THE WEST

( ۳ ) با حل این مسئله بیک هدف دیگر خواهیم رسید و آن اینکه ثابت خواهد شد حضرت بودا ( که کلمه بودا بمعنی منور است ) نورانیت خود را از منشاء ماوراءالطبیعه و الهی میدانند که به نبوت نسبت به آتیه و دادن خبر از عالم روحانی مبارک فرموده اند و تحقق و انطباق این نبوات و اشارات با ظهور مبارک حضرت بهاءالله معلوم خواهد داشت که واقعا از عالم الهی مستنیر بودند و این نتیجه ادعای مسیحیها و متجددین بودائی را که میگویند حضرت بودا فیلسوف خداشناسی بوده است رد خواهد کرد .

## آهنگ بدیع

### اقسام بشارات و اشارات منظوره :

بشارات و اشاراتی که از دیانت مقدس حضرت بودا تا بحال بدست آمده و با ظهور جمال اقدس ابهی جل اسمه الاعلی مصداق یافته سه طبقه هستند .

طبقه اول : بشارات صریحه از حضرت بودا ( ساکیامونی ) ظاهر در پنج قرن قبل از میلاد نسبت به ظهور بودای بعد از آنحضرت .

طبقه دوم : موضوع ( آمیت ابها بودا ) مورد پرستش اکثریت معظم بودائیهای جهان است .

طبقه سوم : اعتقادات متفرقه که در فرقه های " آمیت ابها " پرست موسوم به ( OMIDIST ) پیدا شده ( منشاء آنها هنوز روشن نیست بایستی تحقیق شود و این اعتقادات با اعتقادات امری مقارنت کامل دارند ) .

### طبقه اول - بشارات صریحه درباره بودای آینده

در این طبقه بذکر سه خبر منقوله از خود حضرت بودا که لحن مهیمن و رزین و خالی از - پیرایه و موهوم آن حاکی است که از آنحضرت می باشد اکتفا میشود :

خبر اول - خبری است که خانم فوز دار در جزوه منتشره خود نقل فرموده اند و ما زیلا بطوریکه از کتاب (( آئین بودا )) استخراج کرده ایم نقل مینمائیم .

" کتاب فوق الذکر یکی از متین ترین و عمیق ترین کتبی است که درباره امانت بودایی نوشته شده بقرار دیباچه چاپ دوم پس از انتشار چاپ اول کتاب مزبور به شش زبان ژاپنی - چینی - آلمانی - فرانسه - اسپانیولی - اردو ( هند شرقی ) ترجمه و چاپ شده و ترجمه آن به چهار زبان دیگر تحت اقدام بوده است و در تمام معابد چینی و ژاپنی و سیلان جزء کتب کلاسی شده است "

مبحث ( XCVI ) تحت عنوان ( متیا ) است که اسم بودای آتیه است که مورد انتظار تمام بودائیها بدون استثناء است .

این مبحث شامل آخرین مکالمات حضرت بوداست در موقعی که آنحضرت مشرف بموت بوده و - جمعی از پیروانش دورش جمع شده گریه میکرده اند .

در صفحه ۲۴۵ کتاب مینویسد : " آناندا در حالیکه اشکهای خود را پاک کرد بوجود مبارک گفت :

" پس از رفتن تو کی ما را تعلیم خواهد داد ؟ " و وجود مبارک جواب میدهند :

## آهننگ بدیع

"من اولین بودائی نیستم که روی زمین آمده ام و آخرین بودا هم نخواهم بود. در موقع خود یک بودای دیگری درجهان قیام خواهد کرد. یک وجود مقدس یک وجود بینهایت معنوی حکیم در زفتار فرخنده فال عارف بجهان یک قائد بیمشیل یک سرور بر مردمان و فرشتگان (جن و انس). او دیانت خود را بشما تعلیم خواهد داد و جلیل است در مبداء<sup>ست</sup> جلیل است در اوج جلیل است در هدف. معنا و صورتاً از برای شما بیان خواهد فرمود یک حیات مذهبی کاملاً کامل و خالص چنانچه من امروز بیان میکنم."

آناندا عرض میکند: "چطور ما او را خواهیم شناخت؟" وجود مبارک فرمود:

"او معروف خواهد بود چون (متیا) یعنی کسی که نامش خوبی است."

این خبر در دو علامت با حضرت بهاءالله انطباق پیدا میکند:

یک علامت. که خانم فوزدار در جزوه نفیس خود اشاره فرموده اند که حضرت بودا دیانت جدید (متیا) را وصیت میفرماید (جلیل بود مبداء جلیل در اوج و جلیل در هدف) و کلمه (بهاء) در عربی بمعنی: (پرتو - درخشندگی - و جلال) آمده است.

علامت دیگر که میتوان اضافه کرد اینست که اسم بودای آینده در زبان (پالی) که تعالیم حضرت بودا در آن جمع آوری شده است (متیا) و در زبان ادبی زمان که زبان سانسکریت باشد (متریا) (۱) و این دو کلمه هر دو بمعنی (خوبی) است.

اینکه حضرت بودا میفرمایند: "او چون (متیا) معروف خواهد بود" معلوم میدارد که اسم بودای آینده خود کلمه (متیا) خواهد بود. و بعد میفرمایند یعنی "کسی که اسمش خوبی است" معلوم میدارد معنی اسم بودای آینده "خوبی" خواهد بود.

هرگاه در نظر بگیریم که اسم مولودی حضرت بهاءالله (حسینعلی) که قسمت اصلی (حسین) است و ظهور آنحضرت را رجعت حضرت امام حسین در اخبار ائمه اسلامی خبر داده اند. و کلمه (حسین) که تصفیه (حسن) است که بمعنی "خوبی" میباشد و نزدیکترین کلمه که در زبانهای دیگر بتوان یافت که با (حسین) مقارنت داشته باشد همان (خوبی) است ملاحظه میشود که علامت دوم انطباق در اسم مولودی است. بنام این نبوت فوق هم در اسم مولودی و هم در لقب سماوی با حضرت بهاءالله انطباق پیدا میکند البته معلوم است که حضرت بودا نبایستی عین اسم (حسین) را ادا فرمایند زیرا برخلاف سنت الهی است و هیچوقت اسم موعود بعد صریحاً خبر داده نشده است (اگر بطور کنایه که پس از

## آهنسنگ بدیع

تحقیق معلوم شده است ( و علت آن هم اینست که باعث سوء استفاده اخلاص میشد زیر نفوس برای میمنت این اسم را باطفال خود میدادند و بعد ایجاد هوسهای بیجا در سرها برای ادعا میکرد . بعلاوه اگر حضرت بودا اسم ( حسین ) را هم میفرمودند چون دور از اذهان هندوها بود در حافظه ها درست نقش نمی بست و بتدریج اشکال مختلف پیدا میکرد .  
خبر دوم - در کتاب " بودا " تالیف ( اولدنبرگ ) ( ۱ ) آلمانی که در آلمان منتشر و در ۱۸۹۰ چاپ دوم آن بفرانسه ترجمه و چاپ شده است " در صفحه ۳۲۸ ترجمه فرانسیسه مینویسد :

" حضرت بودا فرمودند که بودا ( متیا ) باین لحسن متکلم میشود : " من قادر مطلق هستم . " عالم بهرامی . معلوماتی را که واجد هستم از کسی کسب نکرده ام . کسی معلم من نبوده است . کسی بامن قابل مقایسه نیست که در لوح ناصر الدین شاه عینا مصداق یافته است . بعد حضرت بودا میفرمایند : " او ( متیا ) در جهان می آید برای سلامتی خیلی ها برای خوشی خیلی ها برای ترحم و دلسوزی ب مردم - برای سلامتی - برای سعادت و کامیابی مردمان مصداق این قسمت از بشارات را از تعالیم اجتماعی و اقتصادی حضرت بهاء الله که امنیت و رفاهیت جامعه را تأمین میکند خواهد یافت .

خبر سوم - در ذیل صفحه ۱۳۴ کتاب فوق الذکر مینویسد حضرت بودا فرمودند . " پیروان او ( متیا ) به گروههای صد هزار نفری میرسند در صورتیکه پیروان من به گروههای صد نفری رسیدند "

برای یافتن مدرک مصداق این خبر کافی است به احصائیه لرد گرز نایب السلطنه سابق هند و نخست وزیر سابق انگلستان که در کتاب ( ایران و مسئله ایران ) مراجعه شود .

### طبقه دوم - موضوع پرستش ( آمیت ابها )

آنچه تمام روایات مربوط باین موضوع حاکی هستند و در آن اختلافی ندارند اینست که " آمیت ابها یک بودائی است . " کلمه بودا بمعنی ( وجود منور ) است ساکن در بهشت غربی در ارض اقدس .

و در ازای این شرافت است که هرکس مدت چندین روز متوالی ( بر حسب روایات مختلف ) با خلوص قلب و انجذاب متوسل با اسم او شده و نام او را ذکر بگیرد و بگوید . ( پرستش و ستایش به آمیت ابها بودا ) هنگام فوتش حضرت بودا با گروهی از مقدسین بملاقات او خواهد آمد و او را

## آهنـگ بدیع

در (ارض اقدس) وارد خواهند کرد و الی الابد در بهشت غربی ساکن بوده و از سعادت ابدی و لذت دیدار دائمی (آمیت ابها) متلذذ خواهند شد. انطباق این (آمیت ابها) با جمال اقدس ابهی واضح است و افتخار ابتکار انتشار این انطباق متعلق بخانم شیرین فوزدار است.

البته (ارض اقدس) همان (ارض اقدس بهشت غربی) نسبت به هند است که محل ظهور حضرت بودا بوده است که اراضی مقدسه و حتی ایران مولد مبارک در مغرب هندوستان هستند و (آمیت ابها بودا) حضرت بهاء الله میباشد. نکته که در تأیید این انطباق اخیر میشود اضافه کرد اینست که کلمه (آمیت ابها) در زبان سانسکریت مرکب است از دو کلمه (آمیتا) (ابها).

(آمیتا) بمعنی بینهایت و لاحد است و (ابها) بمعنی پرتو نور — درخشندگی است و کلمه (آمیت ابها) را به ترکیبات مختلف این معانی ترجمه میکنند. شکی نیست که هرگاه وصفی از ذات باری را به نور و یا درخشندگی تشبیه کنیم. میزان متعلقه بآن ذات باری لاحد و بینهایت خواهد بود و لذا (بهاء الله یعنی بهاء لاحد له) یعنی (آمیت ابها) و انطباق از حدود تفسیر خارج و عین ترجمه و لازمه ذاتی کلمات است نسبت بمسئله (آمیت ابها) فرق بودائی به دو طبقه هستند يك طبقه اقلیت (۱) (یعنی ارا به کوچک) که فقط بمقداری نصوص حضرت بودا متمسک شده و بسطی در آنها نداده اند (مانند وهابیه های اسلام) اینها از اول حاضر نشدند تصور کنند که ممکن است بودائی وجود داشته باشد که دارای يك چنین شرافت ممتاز و منحصر بخود باشد که خود بودای تاریخی یعنی (ساکيامونی) هیچگونه سهمی در آن و یا تشابهی از آن را بهره مند نباشد و چون تا مدت دو سه قرن فرموده های حضرت بودا در حافظه عمل و منتقل میشد لذا این نفوس این روایات را قبول نکردند. این فرقه در جنوب هندوستان تشکیل شدند بودائیهای شمال این روایات را پذیرفته و مورد عمل قرار دادند و بخصوص پس از انتشار دیانت بودائی در چین و ژاپون پیشنهاد — ژاپونیهها متوجه اهمیت و عمق این مسئله شده و اکثریت معظم آنها آنرا بسط داده اند و آنها را (MEHAYAND) یعنی (ارابه بزرگ) مانند مالکی که بوسیله فرقه (منوئی) یعنی ارا به کوچک تبلیغ به بودائی شدند مانند برما و سیام از این فرقه هستند و مالکی که

## آهن‌گبدی

بوسیله فرقه شمالی ( اترویت ) یعنی ( ارا به بزرگ ) تبلیغ شدند و یا تحت نفوذ چینی و ژاپنیها واقع شدند مانند ممالک هند و چین میباشند .

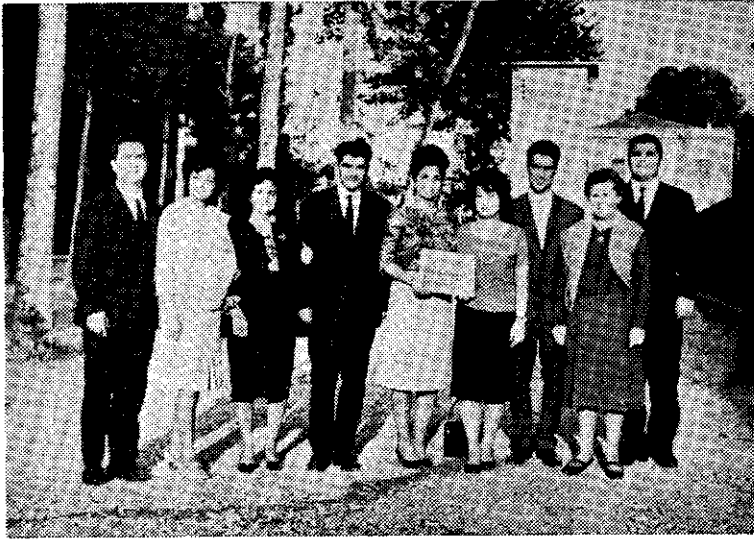
ولی توسعه مهم ( آمیت ابها پرستی ) در چین و ژاپون است که بعقیده تمام نویسند.ها<sup>ی</sup> غربی که در این باب نوشته اند در آن ممالک ( آمیت ابها ) بودای تاریخی یعنی ( ساکیامونی ) را بکلی تحت الشماع و در زاویه نسیان قرار داده است . و بقرار نوشته یکی از اباء مسیحی که کتاب عالمانه ای در این موضوع نوشته جلسات اکثر آنها با چنان انجذاب و خلوص است که ناظرین را هم منقلب میکند و این مسیحی کشیش با حال حریت میگوید ( آیامکن است این نفوس همان حقیقت مسیح را تحت اسم دیگر پرستند و الا چطور ممکن است این درجه ایمان و خلوص بدون اساس نویسند مزبور بنام ( PERE LEON WIEGER ) و مؤلف چندین کتاب راجع به بودائیها است از جمله يك کتاب بعنوان ( آمیت ابها پرستی (۱) ) — میباشد .

سابقا وقتی دعای سحر اسلامی را میخواندیم و یا از راد یو که گاهی در ایام صیام منتشر میشد میشنیدیم و مجسم میکردیم که حضرت امام محمد باقر (ع) وائمه بعد از آنحضرت و مسلمین در مساجد این دعا را در سحرها میخواندند و خدا را به ۹۹ اسم قسم میدادند که در رأس آنها اسم اعظم بهاء بود ( اللهم انی استلک من بهاءک و کل بهاءک بهی اللهم انی استلک بهاءک کله ) مینامیدند و استغاثه میکردند . چه لذتی دست میداد بخصوصی وقتی متوجه میشویم که خود حضرت امام محمد باقر در مقدمه دعای سحر مزبور فرموده اند که " هرگاه — شیمیان قدر آن دعا را نزد خدا بداند برای بدست آوردن در صورت لزوم حرب خواهند کرد زیرا اگر بگویم اسم اعظم خدا را این دعا است راست گفته ام پس آنرا با حال تضرع بخوانید و از غیر اهلش مخفی کنید " و میدانسته اند که اسم اعظم خدا را این دعا است که البته در رأس اسامی است حال مجسم کنیم چه لذتی دست میدهد وقتی متوجه شویم که سیزده قرن قبل از حضرت امام محمد باقر حضرت بود ا هم اسم اعظم خدا را میدانسته اند و پیروان خود را به پرستش او دعوت نموده و متوسل بآن را وسیله سمات ابدی بیان فرموده اند و دو هزار سال است ملیونها مؤمنین بودائی در — معابد میروند و به (( ستایش و پرستش بر بهاء لا حد )) ذکر میگیرند و آرزوی درک ارض مقدسش را مینمایند . این نبوات حضرت بودا در شرق اقصی نبوات عجیب پیغمبر اسلامی را نسبت به شهر عکا خیلی عادی کرد .

( پایان قسمت اول )



# نامه ای از محفل روحانی مانتاوا (ایتالیا)



... گرچه مایل نبودیم باعث تصدیع اوقات گرانبهای شما شویم و صفحات زرین آن صبله وزین را با این عبارات اشغال کنیم. ولی از آنجائیکه این حس در نهاد تمام پیروان اسم اعظم و پندگان جمال قدم جل اسمه الاعظم بود یعه گذارده شده که مایلند در شادی خویش دیگران را هم شریک و سهیم کنند و لحظیات سرور و انبساط را با هم بگذرانند :

بنابراین محفل روحانی مانتاوا هم امروز ( ۲۱ صی ۱۹۶۳ ) جلسه ای داشت و این درست روزی بود که یکسال قبل در چنین روز شهر بسیار مهم و تاریخی مانتاوا افتتاح و امرالله در آن استقرار یافته بود و بر یکی از اهداف نقشه جهاد کبیر اکبر روحانی جامه عمل پوشیده شده بود سرور بی پایان حس میکرد . کسانی که این موفقیت را بدست آورده و بکسب رضای مولای خویش موفق شده بودند سرازیا نمیشناختند . زیرا میدانستند روح پرفتوح مولای عزیز ولی محبوب امرالله در ملکوت ابهی از این موفقیت شاد و بر پیروزی آنها ناظر است .

منشی هیکل اطهر در توفیق ۱۳ آپریل ۱۹۵۴ خطاب بمحفل مشترک روحانی ملی ایتالیا و سویس ( آن موقع هنوز محافل ملی ایتالیا و سویس توأم بود و مثل اکنون هر یک بصورت واحد در نیامده بود ) از طرف حضرت ولی امرالله چنین مرقوم فرموده اند :

” حضرت ولی امرالله بینهایت مسرور خواهند شد از فتح و استقرار امرالله در مانتاوا مستحضر شوند زیرا این شهر بسیار تاریخی و مهم است .“ این پیروزی از یکطرف و شاهد بودن

## آهنگ بدیع

عصری که جشن اعظم افخمش با شکوه و جلال خاصی چندی پیش که در لندن برگزار گردید از طرف دیگر. عصری که انبیا و مظاهر مقدسه در ادوار گذشته آرزوی آبی از آن را مینمودند و در این حسرت دارفانی را وداع گفتند عصری که مرتبط با آیه کریمه از آخرین سفر دانیال نبی و مقرون بوعده حضرت عبدالبهاء در باره اعتلاء و ارتفاع امر حضرت یزدان خواهد بود. چنانچه میفرمایند:

" بذالك ينقضى قرن من طلوع شمس الحقيقة و تعاليم الله تتمكن في الارض حق التمکن و تملأ الانوار مشارق الارض و مغاريها يومئذ يفرح المؤمنون "

پس ما که بفضل و عنایات لا تعد ولا تحصى آن رب و دود نائل گشته و بچنین موهبت عظمی فائز شده ایم و ناظر تشکیل بیت العدل اعظم الهی که موعود کتاب مستطاب اقدس است میباشیم و شاهد تنفیذ قوانین منصوصه و تشریح قوانین غیر منصوصه در آن کتاب آسمانی هستیم. بشکرانه این نعم نامتناهی محبوب بی انباز بنده نواز تاجان در بدن داریم حتی مافوق قدرت و توانائی خویش باید بکوشیم و از پای ننشینیم و از این فرصت گرانبها حداکثر استفاده را بنمائیم آواره دیار و اقطار گردیم. ندای الهی را بگوش قریب و بعید برسائیم. این وظیفه ما است. این دینی است که بعهده فرد فرد ما میباشد. چنانچه در ادای آن قصور نمائیم مسئول درگاه کبریا خواهیم بود. روی سخن بیشتر با جوانان عزیز است که دارای موقعیت بهتر و فارغ البال تر از سایرین هستند موقع سکون و آرامش نیست. ملیونها نفوس منتظر استماع کلام حق و تشنه بحسب بیکران احکام و شریعه الهیه میباشند. همین کسانی هستند که بمجرد شنیدن کلام حق فوج فوج گروه گروه دین الله را اقبال مینمایند و فرموده مولای محبوب و بیهمتا حضرت عبدالبهاء ارواح ما سواه فداه که میفرمایند " یدخلسون فی دین الله افواجا " را چنین تحقق می بخشند الحمد لله که زنده ایم و بچشم سر مشاهده میکنیم که علم یا بهاء الاهی در سراسر عالم در اهتزاز است. بشکرانه چنین مواهبی باید قیام عاشقانه بیش از پیش نمائیم "

+ + + + +

+ + + +

+ + +

+ +